



درس کی فائنی ریسرچس

مہر و نصیحت

سید محمد حسن مسکوٰۃ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشکوٰۃ، سید محمد حسن، ۱۳۴۲ -

درس‌هایی پیرامون مهدویت / سید محمد حسن مشکوٰۃ، قم: ناصر، ۱۳۸۹.

ISBN: 978-600-5617-05-4

۱۷۶ ص.

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. مهدویت. ۲. محمد بن حسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، امام

دوازدهم، ۲۵۵هـ.ق.

الف. عنوان.

۲۹۷/۴۶۲

۴ ض ۵ / م ۴ / ۲۲۴ BP



انتشارات ناصر

درس‌هایی پیرامون مهدویت

سید محمد حسن مشکوٰۃ

چاپ اول * ۴۰۰۰ جلد * بهار ۱۳۸۹

چاپ حافظ قم

انتشارات ناصر - قم - خیابان شهدا کوچه آمار

تلفن ۷۷۴۳۴۰۰ همراه: ۹۱۲۲۵۲۴۶۹۹

صندوق پستی الکترونیکی

Email: naser@ketabegom.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۱۷-۰۵-۴

۲۶۵۰ تومان

درس های
پیرامون مهدویت

سید محمدحسن مشکوة

فهرست مطالب

مقدمه ۹

درس اول: ضرورت اعتقاد به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه ۱۳

۱. امروزه چه نیازی وجود دارد که از مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سخنی به میان آید؟

۲. فواید شناخت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

درس دوم: اسرار ولادت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه ۲۳

دیدگاه شیعه و سنی در مورد ولادت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و چگونگی آن

درس سوم: غیبت صغری و کبری ۳۵

۱. امامت و رهبری در کودکی

۲. آغاز غیبت

درس چهارم: حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در

قرآن و روایات..... ۴۵

۱. هشت آیه که راجع به امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و انقلابش تصریح نموده است

۲. فهرست ۲۲ آیه که تفسیر و تأویل آن به امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اشاره دارد.

۳. دوازده حدیث در مورد امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

درس پنجم: دولت کریمه، مدینه فاضله ۵۹

۱. پس از تشکیل دولت توسط حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چه اتفاقی می‌افتد؟

۲. کمبودهای همیشگی بشر

۳. فواید حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

درس ششم: انتظار و منتظران ۷۹

۱. انتظار یعنی چه؟

۲. ویژگی‌های منتظران کدام است؟

۳. تفکری غلط و انحرافی در عصر حاضر

درس هفتم: پاسخ به پرسش‌ها پیرامون حضرت

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۹۱

۱. تشکیل دولت قبل از دولت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

۲. آیا حضرت زن و فرزندی دارد؟

۳. راز طول عمر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

۴. مسکن حضرت کجاست؟

۵. مدت حکومت حضرت چه قدر است؟

۶. آیا حضرت دین و شریعت جدیدی می‌آورد؟

درس هشتم: پاسخ به پرسش‌ها پیرامون

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۱۰۵

۱. آیا برای ظهور نشانه‌هایی وجود دارد؟

۲. چگونه حضرت را بشناسیم؟

۳. اسرار نام‌های حضرت چیست؟

۴. ویژگی یاران حضرت کدام است؟

۵. کار فعلی حضرت چیست؟

درس نهم: مهدویت از نگاه اهل سنت ۱۲۱

۱. برخی از اندیشمندان اهل سنت که تصریح به وجود مهدی موعود

(عجل الله تعالی فرجه الشریف) نموده‌اند

۲. بررسی روایات اهل سنت درباره مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

۳. شناخت مقام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در روایات
اهل سنت

درس دهم: مدعیان دروغین مهدویت ۱۳۵

۱. اسامی تعدادی از مدعیان دروغین مهدویت
۲. آشنایی با فرقه بابیت و بهائیت

درس یازدهم: نقد و بررسی افکار و عقاید بابیت

و بهائیت ۱۴۷

۱. دیدگاه بابیت و بهائیت راجع به دین اسلام و خاتمیت و مهدویت
۲. ایدئولوژی و عقاید بهائیت
۳. چند سؤال از بهائی‌ها

درس دوازدهم: رجعت یا اتفاقات بعد از حکومت

ولیعصر ۱۶۹

۱. اتفاقات بعد از حکومت حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۲. دلایل قرآنی اثبات رجعت
۳. دلایل روایی اثبات رجعت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

سلام بر خورشید تاریکی ها و ماه کامل، سلام بر بهار مخلوقات و شادی روزگار، سلام بر صلح و صفا، سلام بر عشق و وفا، سلام بر رأفت و رحمت و سلام بر راعی رعیت، سلام بر مهدی که خداوند به امت ها وعده ظهورش را داده است تا به وجود و ظهورش جهل و فقر و پریشانی و جنگ و عداوت و تفرقه از جهان ریشه کن گردد و با نفس مسیحایی اش علم و معرفت، مکت و ثروت، عشق و محبت، یکدلی و وحدت، در جای جای گیتی گسترش یابد، چرا که پیامبر ﷺ فرمودند:

«يَنَالُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا»^۱

برای تحقق اهداف این گل سرسبد خلقت، همراهی جدی و تلاش بی وقفه همه عاشقان و منتظران لازم است، چرا که بدون همراهی، امکان برپایی مدینه فاضله مهدویت میسر نیست.

نخستین گام همراهی، معرفت و شناخت این علم هدایت و مبشر سعادت است، چرا که اگر شناخته نشود، حیاتی در

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۴.



کار نخواهد بود، بلکه مرگ است و آن هم مرگ جاهلی. بنابراین بر همهٔ معلّمین و متعلّمین واجب و لازم است قدم‌های جدّی برای شناخت امام زمان خود بردارند که برگزاری کلاس‌های معرفتی در این زمینه اولین قدم است.

کتاب حاضر در پی آن است که شناخت کلی و اجمالی نسبت به حضرت مهدی علیه السلام ارائه نماید و آن‌گاه اساتید ارجمند و محترم با ارائهٔ مطالب بیشتر در هر درس، کام‌تشنهٔ جوانان عاشق را سیراب‌تر نمایند. توضیح بیشتر این‌که: مطالب و محتوای کتاب برای جوانان سنین دبیرستانی تدوین یافته و چون در دوازده درس تنظیم گردیده، می‌توان هر درسی را در دو جلسه تبیین کرد تا در یک سال تحصیلی، با حوصله و دقت و پرسش و پاسخ و مطالبه تحقیق از دانش‌آموزان در زمینهٔ هر درس، مباحث کامل‌تر گردد.

امید است رضای پروردگار و استعانت از حضرت ولی عصر (أرواحنا فداه) را در پی داشته باشد.

در پایان از همهٔ اساتید و محققین درخواست می‌گردد چنانچه کاستی و نقصی در دروس مشاهده می‌نمایند و یا نیاز جوانان را به مطالبی که اشاره نشده است، احساس می‌کنند، با ارائهٔ نظرات و ارشادات خود، حقیر را یاری نمایند.

۲۲ بهمن ۱۳۸۸

سید محمد حسن مشکوة

درس اول

ضرورت اعتقاد به مهدی موعود

(عجل الله تعالى فرجه الشريف)

آنچه در این درس می خوانیم:

۱. امروزه چه نیازی وجود دارد که از مهدی موعود (عجل

الله تعالى فرجه الشريف) سختی به میان آید؟

۲. فواید شناخت امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

درس اول:

ضرورت اعتقاد به مهدی موعود علیه السلام

درس اول را با این پرسش آغاز می‌کنیم که امروزه چه نیازی وجود دارد که از مهدی موعود علیه السلام سخنی به میان آید؟ و راجع به کسی صحبت شود که او را نمی‌بینیم، ولی باید به او معتقد باشیم! و اصولاً اعتقاد به او چه ثمره و خاصیتی در زندگی کنونی ما دارد؟

در پاسخ باید گفت:

به روایات بسیاری در کتب شیعه و اهل سنت برخورد می‌کنیم که در آنها مسلمانان موظف شده‌اند که امام زمان خود را بشناسند و از او پیروی کنند. اکثر بزرگان اهل سنت منظور از امام زمان در این روایات را خلفا و زمامداران و پادشاهان دانسته‌اند. ولی شیعه بر این باور است که منظور از امام زمان در روایات، امامان معصوم علیهم السلام هستند. بدین جهت شیعه، امروزه لزوم شناخت حضرت مهدی علیه السلام را جزئی از

همین شناخت کلی درباره دوازده امام علیهم‌السلام می‌داند.

در روایاتی که مورد پذیرش شیعه و سنی است، تصریح شده است: «هر کس امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت از دنیا می‌رود».^۱

ضرورت شناخت و اعتقاد به حضرت مهدی علیه‌السلام وقتی احساس می‌شود که انسان‌ها در اثر فاصله گرفتن از امام خود به فساد و گمراهی کشیده شوند که برای رهایی از این دام خطرناک، راهی جز پیروی از امام نخواهد بود.

حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام می‌فرمایند: «امام حجت خدا بر بندگان است؛ هر که او را رها کند گمراه می‌شود و هر که همراه او باشد، نجات می‌یابد و رستگار می‌شود».^۲

و نیز «حضرت امام حسین علیه‌السلام روزی به یاران خود فرمودند: همانا خداوند بندگان خود را نیافرید مگر برای این که او را بشناسند و آن گاه که او را شناختند به عبادت و بندگی او مشغول خواهند شد و با این بندگی از قید بندگی دیگران رهایی خواهند یافت. شخصی پرسید: معرفت خدا به چیست؟

۱. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ جَاهِلِيَّةٍ».
(بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۸۹).

۲. «وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ الْأَرْضَ مِنْذُ قُبُضِ آدَمَ إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ يَهْتَدِي بِهِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ حُجَّةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْعِبَادِ مَنْ تَرَكَهُ هَلَكَ وَمَنْ لَزِمَهُ نَجَا حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».
(بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۳).

فرمودند: مردم هر زمانی باید امام زمان خود را بشناسند، امامی که اطاعت و فرمانبری او واجب است»^۱.

یعنی شناخت خدا از طریق امام ممکن است و راهی جز این وجود ندارد.

در دعایی که امام صادق علیه السلام به زراره آموختند آمده است:

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي؛

یعنی: خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر خود را به من نشناسانی، نبی‌ات را نخواهم شناخت. خدایا! رسالت را به من بشناسان که اگر رسالت را به من نشناسانی، امام و حجّت را نخواهم شناخت. خدایا! حجّت را به من بشناسان که اگر امام و حجّت را به من نشناسانی، از مسیر دیانت به گمراهی خواهم رفت»^۲.

بنابراین اگر امروز بخواهیم در مسیر دیانت گام برداریم، لازم است در زیر سایه ولایت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حرکت کنیم و به او معتقد باشیم که اعتقاد به او حیات

۱. بحارالانوار، ج ۵، ص ۳۱۲.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۵.

و زندگی است و انکار او مرگ است و گمراهی؛ چنان‌که پیامبر ﷺ فرموده است:

«مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وَوَلَدِي فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً؛»

یعنی: هر کس منکر قائم از فرزندانم در زمان غیبتش بشود و در همان حال از دنیا برود، قطعاً به مرگ جاهلیت مرده است.^۱

منظور از مرگ جاهلیت این است که مانند افرادی که پیش از اسلام، در حال شرک و کفر مردند، می‌میرند. از طرفی قبولی اعمال هر مسلمانی در گرو پذیرفتن ولایت امامان معصوم علیهم‌السلام است.

امام باقر علیه‌السلام به زراره فرمودند: «اسلام بر پنج پایه بنا نهاده شده: ۱. نماز ۲. زکات ۳. حج ۴. روزه ۵. ولایت. زراره می‌گوید عرض کردم: کدام یک از آنها برتر است؟ امام علیه‌السلام فرمودند: ولایت، زیرا کلید آنها و راه رسیدن به آن اعمال از طریق امام و ولایت ممکن است.»^۲

همچنین فرمودند: اگر کسی شب تا صبح نماز بخواند و روز خود را به روزه سپری کند و تمام ثروت خود را صدقه دهد و همه ساله به حج برود، اما ولی خدا را نشناخته باشد تا

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۳.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸.

از او پیروی کند و تمام کارهایش به راهنمایی او نباشد، هرگز نزد خداوند اجر و ثوابی ندارد و از اهل ایمان نخواهد بود.^۱

«ما معتقدیم که شب قدر، روح - فرشته بزرگ خدا - به همراه فرشتگان مقرب پروردگار به زمین می آیند و خدمت ولی الله الأعظم علیه السلام می رسند و مقدرات و سرنوشت هر فرد را خدمت ایشان عرضه می کنند و به امضای امام می رسانند».^۲ لذا در این شب با برکت از حضرتش می خواهیم تا از خداوند بخواهد سرنوشت یک ساله ما را با عافیت دینی و دنیوی رقم زند، با این حال آیا می شود کسی از معرفت و شناخت امام غافل شده و دنبال این نباشد که ببیند دین و دنیایش در گرو امضای چه کسی است؟

ثمره مهم شناخت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این است که جامعه اسلامی می داند رییس و سرپرستی دارد که در صورت اضطرار و نیاز مسلمین به فریاد آنها می رسد و از آنان دادرسی می کند.

«در زمان عالم و دانشمند بزرگ اسلام مرحوم شیخ مفید عده ای از روستا جهت پرسشی مهم به بغداد می آیند

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹.

۲. تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۸۸.

و خدمت ایشان می‌رسند و عرض می‌کنند: بانویی باردار از دنیا رفته و نمی‌دانیم آیا این بانو را با همین حال دفن کنیم یا شکم مادر را پاره کرده و فرزند را خارج کنیم. شیخ مفید بر اساس دانشی که اندوخته است می‌فرماید: باید با این حال او را دفن کنید. آنان نیز ضمن تشکر جهت خاک سپاری خداحافظی کرده و از منزل شیخ خارج می‌شوند که در بین راه شخصی خود را به آنان می‌رساند و می‌گوید: نظر شیخ عوض شده می‌فرماید بچه را از شکم مادر خارج نموده، سپس مادر را دفن کنید. مدتی می‌گذرد و روستاییان جهت عرض تشکر از فتوای جدید خدمت شیخ مفید می‌رسند و جریان را بازگو می‌نمایند. شیخ مفید می‌فرماید: من چنین فتوایی صادر نکردم و همان زمان یقین می‌کند نظری که داده غلط بوده و حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) آن را اصلاح نموده است. بنابراین تصمیم می‌گیرد که دیگر فتوا ندهد و به اصطلاح درب خانه را به روی خود ببندد، ولی از ناساحیه مقدسه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در نامه‌ای به او خطاب می‌شود که تو فتوا بده، در صورت خطا، ما آن را اصلاح خواهیم کرد.^۱

در نتیجه فایده شناخت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در امور زیر خلاصه می شود:

۱. عدم انحراف و گمراهی
۲. امضای اعمال دینی
۳. احساس امید و نشاط در زندگی
۴. دوری از حیات و مرگ جاهلی.

پیش‌وایش

۱. نظر حضرت امام باقر علیه السلام درباره امام چیست؟
۲. نظر امام حسین علیه السلام راجع به معرفت خدا چیست؟
۳. دعایی که امام صادق علیه السلام به زراره آموختند کدام است؟
۴. پیامبر درباره انکار حضرت قائم چه فرمودند؟
۵. قبولی اعمال در گرو چیست؟

درس دهم

اسرار ولادت حضرت ولی عصر

(عجل الله تعالى فرجه الشريف)

آنچه در این درس می خوانیم:

دیدگاه شیعه و سنی در مورد ولادت حضرت ولی عصر

(عجل الله تعالى فرجه الشريف) و چگونگی آن

اسرار ولادت حضرت ولی عصر علیه السلام

ولادت و زندگی حضرت مهدی علیه السلام، از رخدادهای مهم تاریخ بشر می باشد. اعتقاد به تولد، حیات طولانی و ظهور و حکومت آن امام، مسئله‌ای است اساسی که نقش سرنوشت ساز و جهت بخشی را به زندگی مؤمنین داده است. دوازدهمین پیشوای معصوم، حضرت حجت ابن الحسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامرا با شیوه‌ای عجیب و اسرارآمیز دیده به جهان گشود.^۱

پدر بزرگوارش حضرت امام حسن عسکری علیه السلام او را همنام پیامبر اسلام نامید و ملقب به مهدی نمود. مادر بزرگوارش بانویی است با عظمت به نام نرجس که به نام ریحانه و سوسن نیز از او یاد شده است.^۲

۱. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۳۷.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲ تا ۲۷.

میزان فضیلت و معنویت حضرت نرجس علیها السلام آن قدر بالا بود که حضرت حکیمه خواهر امام هادی علیه السلام که خود از بانوان عالیقدر بود، او را سرآمد و سرور خاندان خویش و خود را خدمت گزار او می‌نامید.^۱

با توجه به این که تمام فرق اسلامی معتقد به مهدویت می‌باشند و تمامی علما و دانشمندان شیعه و تعداد زیادی از علمای اهل سنت تولد حضرت را امری مسلم می‌دانند، ولی بعضی از اهل سنت معتقدند هنوز حضرت به دنیا نیامده است.

حضرت مهدی علیه السلام ولادت استثنایی داشته و این، برای بسیاری سؤال‌انگیز بوده و هست.

همه مسلمانان، سینه به سینه این سخن را از رسول گرامی اسلام شنیده بودند که روزی فراخواهد رسید که مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور خواهد نمود و جهان را پر از عدل و داد می‌نماید و بساط ظالمین و ستمگران را برخواهد چید.

لذا تولد مهدی علیه السلام به عنوان دوازدهمین پیشوای مسلمین با نشانه‌هایی چون نهمین فرزند امام حسین علیه السلام، چهارمین فرزند امام رضا علیه السلام و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام باعث

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲ تا ۲۷.



شده بود حاکمان ظالم زمان بر فشارها و سخت‌گیری‌های خود نسبت به امام حسن عسکری علیه السلام بیفزایند، مگر بتوانند با نابودی ایشان از تولد حضرت و تداوم امامت جلوگیری نمایند. ولی بر خلاف تدابیر آنان، مقدمات ولادت حضرت آماده شد و توطئه‌های دشمنان خنثی گردید.

امام هادی علیه السلام می‌دانست که آخرین حجت خدا از نسل اوست، لذا در مسئله ازدواج فرزند برومند خود حضرت امام حسن علیه السلام اهتمام کافی داشت. به همین جهت از بانویی به نام نرجس که در محضر خواهر بزرگوارش حضرت حکیمه خاتون تربیت شده بود، خواستگاری نموده و با مقدماتی که در کتاب‌های تاریخی آمده است، ایشان را به عقد ازدواج امام حسن علیه السلام درآورد.^۱

تمامی شیفتگان در انتظار ولادت آخرین ستاره امامت روزشماری می‌کردند که امام حسن علیه السلام نوید مولودش را به یاران می‌داد. از طرف دیگر دشمن نیز آنچه در توان داشت به کار گرفت تا این وعده بزرگ تحقق نیابد. به همین منظور قابله‌های فراوانی در منزل امام حسن علیه السلام گمارد.

امام را بارها به زندان افکند، یعنی همان‌طور که فرعون بر اساس پیش‌گویی‌های کاهنان درباری که گفته بودند فرزندی

از بنی اسرائیل چشم به جهان خواهد گشود و بساط فرعون را برخواهد چید، هر چه فرزند پسر از بنی اسرائیل به دنیا می‌آید می‌گشت و دختران را زنده نگاه می‌داشت، چنانچه قرآن کریم فرموده است:

﴿يَذَبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ﴾^۱

و قابله‌هایی را گمارده بود که زنان باردار را زیر نظر بگیرند و در صورت وضع حمل، خبر به مأموران فرعونی دهند؛ در این وضعیت مادر موسی که از بنی اسرائیل بود شدیداً تحت نظر بود، ولی قابله‌ها هیچ اثر حملی در او نمی‌دیدند، لذا به دور از چشم قابله‌ها حضرت موسی به دنیا آمد. مادر حضرت مهدی علیه السلام با این که حامل نور امامت بود، ولی در ظاهر هیچ اثری مشاهده نمی‌شد و این خواست خداوند است که خلیفه خود را روی زمین بخواهد حفظ نماید.

سرانجام امام در ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامرا قدم به عرصه وجود نهاد و نوید امامت مستضعفان و صالحان را داد.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «زَعَمَتِ الظُّلَمَةُ أَنَّهُمْ يَقْتُلُونَنِي لِيَقْطَعُوا هَذَا النُّسْلَ، فَكَيْفَ رَأَوْا قُدْرَةَ اللَّهِ؛

۱. قرآن کریم، سوره قصص، آیه ۴.

یعنی: ستمگران بر این خیال بودند که مرا بکشند، تا نسل امامت منقطع گردد اما قدرت خدا را چگونه دیدند؟^۱

بدین ترتیب، در آن وضعیت رعب و ترس و در آن فضای اختناق خلفای ظالم، دوازدهمین ستاره فروزان امامت و ولایت طلوع کرد و با تولدش غروب و افول ستمگران و حاکمیت مستضعفان را اعلام نمود.

پس از ولادت برای این که امنیت و حفاظت حضرت مهدی علیه السلام با بهترین وجه صورت گیرد، امام حسن عسکری علیه السلام فرزند برومند خود را به مدینه فرستاد تا در آن جا در نزد بنی هاشم کاملاً از او مواظبت به عمل آید و دوران رشد و کودکی را پشت سر نهد. این مطلب شواهد و قرائنی دارد.

ابن هاشم جعفری می گوید:

«قُلْتُ لِأَبِي مُحَمَّدٍ علیه السلام جَلَّالَتِكَ تَمْنَعُنِي مِنْ مَسْأَلَتِكَ فَتَأَذِّنْ لِي أَنْ أَسْأَلَكَ؟ فَقَالَ سَلْ؛ قُلْتُ يَا سَيِّدِي هَلْ لَكَ وَوَلَدٌ؟ فَقَالَ نَعَمْ، فَقُلْتُ فَإِنْ حَدَّثَ بِكَ حَدَثٌ فَأَيْنَ أَسْأَلُ عَنْهُ؟ قَالَ: بِالْمَدِينَةِ؛

یعنی: به امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم، پرسشی دارم، ولی هیبت و بزرگواری شما مانع پرسیدن من است، اجازه می دهید آن را مطرح سازم؟ امام علیه السلام فرمودند: بپرس.

۱. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۳۱.

گفتم: سرورم، آیا شما را فرزندی هست؟ فرمودند: آری، گفتم: اگر پیش آمدی شد کجایمی توان او را یافت؟ فرمودند: مدینه.^۱ این مسئله با حضور امام مهدی علیه السلام در اواخر عمر مبارک امام حسن عسکری علیه السلام در سامرا منافاتی ندارد، چرا که حضرت تشریف آورده بودند تا ودایع امامت را تحویل گیرند. از این رو لحظات آخر عمر امام حسن عسکری علیه السلام در سامرا حضور داشتند و بعد از شهادت پدر بزرگوارشان بر جنازه پدر نماز خواندند. به هر حال اگر بگوییم حضرت در مدینه رشد و نمو کرده است، با آن خفقان و سرکوبی که در سامرا وجود داشته و خانه امام حسن علیه السلام شدیداً تحت مراقبت بوده، با اصول امنیتی بیشتر سازگار است.

از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده که فرمودند: «... حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ لِهَذَا الْأَمْرِ غُلَامًا مِنَّا خَفِيًّا الْوِلَادَةَ وَالْمَنْشَأَ، غَيْرَ خَفِيٍّ فِي نَسَبِهِ»

یعنی: تا این که خداوند برای حکومت جهانی الهی فرزندی از ما خانواده بر می‌انگیزد، مخفیانه به دنیا می‌آید و مخفیانه رشد و نمو می‌کند، بدون این که در اصل و نسبش هیچ‌گونه ابهامی باشد.^۲

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، بدون ترجمه.

۲. همان، ص ۲ و ۳۴۱ بدون ترجمه.

دیدگاه اهل سنت درباره تولد حضرت مهدی علیه السلام

تمامی فِرَقِ اسلامی در اصل وجود صاحب العصر علیه السلام هیچ اختلافی ندارند و همه پیروان مذاهب مختلف اسلامی معتقدند که روزی مهدی علیه السلام ظهور خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود؛ ولی اختلافی که وجود دارد این است که بعضی از اهل سنت قائل هستند حضرت مهدی علیه السلام هنوز به دنیا نیامده است و تاریخ تولد و ظهورش معلوم نیست.

گرچه، دانشمندان بزرگی از اهل سنت وجود دارند که معتقدند حضرت در نیمه شعبان ۲۵۵ هجری قمری چشم به جهان گشوده و تا کنون زنده می باشد.

از جمله این علما:

۱. نور الدین عبد الرحمن جامی (۸۹۸) دانشمند، عارف و شاعر معروف، ایشان در کتاب شواهد النبوة می نویسد:
 محمد بن حسن بن علی بن محمد بن الرضا علیه السلام، وی امام دوازدهم و کنیه وی ابوالقاسم است.

و درباره ولادت حضرت می نویسد:

حکیمه عمه ابومحمد زکی علیه السلام گفته است، روزی پیش ابومحمد علیه السلام در آمدم، فرمود: ای عمه، امشب در خانه ما باش که خدای تعالی ما را خَلْفی خواهد داد. من گفتم: این

فرزند از که خواهد بود؟ من که در نرجس هیچ اثر حمل نمی‌بینم؟

فرمود: ای عمّه مثل نرجس مانند امّ موسی است، که حمل وی جز وقت ولادت ظاهر نخواهد شد.

۲. عبدالوهاب شعرانی (۹۷۳) عارف بزرگ و دانشمند مشهور، در مقدمه کتاب معروفش (الیواقیت و الجواهر) می‌نویسد:

مهدی علیه السلام از اولاد امام حسن عسکری علیه السلام است، ولادتش در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری واقع شده و هم اکنون زنده است، تا این که خداوند عیسی بن مریم را با وی گرد آورد.

۳. شیخ سلیمان قندوزی حنفی بلخی (۱۲۹۴) معروف به خواجه کلان، از دانشمندان بزرگ و عرفای نامی اهل تسنن است. وی در کتاب ارزشمند ینابیع الموده می‌نویسد:

آنچه در میان دانشمندان موثق، محقق و مسلم است، این است که ولادت قائم علیه السلام در شب پانزدهم ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامره اتفاق افتاده است.

همچنین برخی از علما و دانشمندان اهل سنت در طول تاریخ کتاب‌های زیادی درباره امام مهدی و ظهور آن حضرت نوشته‌اند که نام برخی از آن کتب عبارتند از:

۱. سنن ابن ماجه

۲. سنن أبي داود

۳. سنن ترمذی

۴. عقد الدرر - نوشته مقدسی شافعی

۵. أخبار المهدی - نوشته حماد بن یعقوب

۶. مناقب المهدی - ابونعیم اصفهانی

۷. العرف الوردی فی اخبار المهدی - جلال الدین سیوطی

۸. البرهان علی علامات مهدی آخر الزمان - متقی هندی

۹. مسند احمد

۱۰. مستدرک حاکم

پس شک و تردید در اصل وجود حضرت مهدی علیه السلام

و نیز درباره تولد آن بزرگوار از اساس و پایه باطل

و بی ارزش است.

پیش‌وایش

۱. ولادت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در چه چیزی شباهت به ولادت حضرت موسی علیه السلام دارد؟
۲. چرا ولادت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مخفیانه بود؟
۳. حضرت مهدی علیه السلام پس از ولادت در کجا رشد و نمو نمود؟
۴. تاریخ دقیق ولادت حضرت مهدی علیه السلام چه زمانی است؟
۵. سه تن از علمای اهل سنت را نام ببرید که قائل به تولد امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستند؟

درس سوره

غیبت صغری و کبری

آنچه در این درس می خوانیم:

۱. امامت و رهبری در کودکی

۲. آغاز غیبت

غیبت صغری و کبری

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در تاریخ هشتم ربیع الثانی سال ۲۶۰ هجری قمری، برهه دوّم زندگی امام عصر علیه السلام شروع شد. امام علیه السلام که در این زمان پنج سال از عمر شریفشان می گذشت، عهده دار منصب امامت و خلافت گردید. البته در این زمان بر دوستان اهل بیت علیهم السلام بسیار سخت می گذشت که می توان آن را دوران محنت و حیرت مسلمانان حقیقی نامید، چون از یک سو فرقه ها و گروه های مختلفی پیدا شدند که درباره امامت افکار متضادی داشتند و مردم را به شبهه و تردید می انداختند. از سوی دیگر دشمن در صدد بود فرزند امام حسن عسکری علیه السلام را که یقین به وجود او داشت دستگیر و نابود کند.

در این بخش از زندگی امام علیه السلام مسائلی پیش آمد که باید به آنها توجه داشت:

۱. امامت و رهبری در کودکی

اولین سؤالی که به ذهن می‌رسد، این است که چگونه حضرت مهدی علیه السلام در سن پنج سالگی عهده‌دار منصب مهم و خطیر امامت گردید؟ آیا این مسئله جنبه استثنایی داشت یا امری معمولی و عادی بود؟

به اعتقاد ما شیعیان، امامت در خردسالی اشکالی ندارد و نمونه‌های دیگری نیز داشته است.

قرآن مجید از افرادی نام می‌برد که در کودکی دارای منصب مهم نبوت شدند و این بیانگر و نشان دهنده این است که مسئله پیشوایی در کودکی پدیده جدیدی نبوده و نیست.

در سوره مریم، آیه ۱۲ می‌خوانیم: ﴿يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا﴾.

یعنی: «ای یحیی! کتاب را به نیرومندی بگیر و ما در کودکی به او دانایی عطا کردیم».

و باز در همان سوره، آیه ۲۹ و ۳۰ می‌خوانیم: ﴿فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نَكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا * قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا﴾.

یعنی: «حضرت مریم به فرزندش عیسی علیه السلام اشاره کرد. گفتند: چگونه با کودکی که در گهواره است سخن بگوییم؟

کودک گفت: من بنده خدا هستم که، به من کتاب داده و مرا پیامبر گردانیده است».

پس نبوت حضرت عیسی علیه السلام بهترین شاهد و گواه بر این است که به خواست خدا، خردسالی هم می تواند عهده دار منصب مهم نبوت یا امامت گردد. البته در میان ائمه علیهم السلام امام جواد و امام هادی علیهم السلام نیز در خردسالی به امامت رسیدند. خلاصه این که: یقیناً دوران شکوفایی عقل انسان معمولاً زمان خاصی دارد، ولی ما می دانیم همیشه در انسان ها افراد استثنایی وجود داشته اند و هیچ مانعی ندارد که خداوند این دوران را برای بعضی از بندگان به خاطر مصالحی فشرده تر کند و در سال های کمتری خلاصه نماید. به هر حال ما دلیل علمی و عقلی بر محال بودن این امر نداریم. «تنها این یک امر خارق عادت است و همه معجزات چنین هستند، یعنی همه خارق عادتند، نه محال عقلی».^۱

ابن بزیع گفت: از حضرت جواد علیه السلام در مورد امامت پرسیدم که آیا ممکن است امام سنش از هفت سال کم تر باشد؟ حضرت فرمود: آری کم تر از پنج سال هم می شود.^۲ اولین زمانی که همه مردم جمال نورانی حضرت ولی

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۹، به نقل از مهدی آخرین سفیر انقلاب.

۲. بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۰۳.

عصر علیه السلام را در سن پنج سالگی زیارت نمودند، هنگامی بود که بر پیکر شریف پدر بزرگوارشان نماز خواندند. «زمانی که خبر وفات امام حسن عسکری علیه السلام پخش شد، سامرا غرق در عزا گردید. بازارها تعطیل شد. بنی‌هاشم و مأموران دولتی و سایر مردم به سوی خانه امام حسن علیه السلام حرکت کردند. در آن روز، گویی قیامتی برپا شد.

پس از غسل و کفن، جعفر (برادر امام) در کنار جنازه حاضر شد تا بر وی نماز بگذارد، ناگهان کودکی ماه‌روی از میان جمعیت به جلو آمد و عبای جعفر را کشید و فرمود: ای عمو کنار بایست که من سزاوارترم به نماز خواندن بر پدر خود. جعفر عقب ایستاد و آن کودک زیبا روی بر پدر بزرگوار خود نماز خواند.^۱ در آن جا بر همگان آشکار شد که وصی امام حسن علیه السلام و مهدی موعود همین کودک است.

۲. آغاز غیبت

پس از اتمام نماز، مأموران خلیفه عباسی حرکت گسترده‌ای را آغاز کردند تا حضرت مهدی علیه السلام را دستگیر نمایند، ولی در آن زمان موفق نشدند. به همین دلیل به خانه امام حسن عسکری علیه السلام یورش بردند تا حضرت را در منزل پدر بیابند.

۱. منتهی الآمال، ج ۲، باب سیزدهم، فصل پنجم.

بنا به نقل مشهور، هنگام یورش، حضرت در سرداب و زیرزمین منزل، همان جایی که پدر بزرگوار و جدّ جلیل القدرش آن را محلی برای عبادت خود قرار داده بودند، مشغول راز و نیاز و نیایش بود که از نظرها پنهان شد و امروزه شیعیان به این سرداب که بخشی از حرم مطهر عسکرین علیهما السلام می باشد، احترام و توجه خاصی دارند و آن را زیارت می کنند.

پس از این غیبت، حضرت از طریق نواب خاص خود با شیعیان و مسلمانان ارتباط برقرار می کرد که این نایبان خاص، یکی پس از دیگری عهده دار این امر مهم بودند. نواب خاص حضرت چهار نفر بودند:

۱. ابو عمرو، عثمان بن سعید عمری. وی از نمایندگان امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهما السلام و مورد اطمینان بوده و در سال ۲۶۵ هجری قمری فوت کرده است.
۲. ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری که در سال ۳۰۵ هجری قمری در ماه جمادی الأولى وفات یافت.
۳. ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی که در سال ۳۲۶ هجری قمری در ماه شعبان فوت کرد.
۴. ابوالحسن علی بن محمد سمّری که در سال ۳۲۹ هجری قمری، در ماه شعبان وفات یافت.



در این دوره همه شیعیان به گونه مستقیم نمی توانستند با امام خویش ارتباط برقرار کنند، بلکه فقط از طریق این چهار نفر با حضرت ارتباط برقرار می نمودند.

این دوره غیبت صغری که ۶۹ سال طول کشید، با مرگ آخرین سفیر امام عصر علیه السلام به پایان می رسد. حضرت در پاسخ به این سؤال که نایب بعد از شما کیست؟ می گویند: «خدا را فرمانی است که خود به انجام می رساند» سمری شش روز قبل از مرگ نامه‌ای از حضرت دریافت می کند، مبنی بر این که کسی را به عنوان جانشین خود برگزیند.^۱ این آغاز غیبت کبری است که تا به امروز ادامه دارد و چون از حضرت علیه السلام در این دوره کسب تکلیف می شود، می فرمایند:

«أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا. فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛

یعنی: در حوادثی که برایتان پیش می آید، به فقیهان و مراجع دینی مراجعه کنید که آنها حجّت من بر شما هستند و من حجّت خدا بر آنان می باشم».^۲

۱. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۴۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰.

پیش‌واسخ

۱. نواب اربعه چه کسانی هستند؟
۲. غیبت صغری چیست و چند سال به طول انجامید؟
۳. آیا امام می‌تواند کودکی خردسال باشد؟ به چه دلیل؟
۴. جریان سرداب چیست؟
۵. مردم در مسائل دینی خود در زمان غیبت کبری باید به چه کسی مراجعه کنند؟ به چه دلیل؟

درس چهارم

حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) در قرآن و روایات

آنچه در این درس می‌خوانیم:

۱. هشت آیه که راجع به امام مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) و انقلابش تصریح نموده است.
۲. فهرست ۲۲ آیه که تفسیر و تأویل آن به امام مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) اشاره دارد.
۳. دوازده حدیث در مورد امام مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف).

(الشریف).

حضرت مهدی علیه السلام در قرآن و روایات

در بسیاری از آیات قرآن و روایات راجع به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و انقلابش اشاره و تصریح شده است که در این درس به بعضی از آن آیات و روایات اشاره می‌کنیم:

۱. سورة لقمان، آیه ۲۰

«وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً»؛

یعنی: خداوند نعمت‌های ظاهری و باطنی خود را بر شما

ارزانی نمود.»

امام کاظم علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرمایند: نعمت ظاهر

امام ظاهر و نعمت باطن امام غایب است. راوی می‌گوید: به

حضرت عرض کردم: آیا در میان ائمه کسی غایب می‌شود؟

فرمودند: آری شخصش از چشمان مردم غایب می‌گردد،

ولی از قلوب مؤمنان غایب نمی‌گردد و او دوازدهمین از ما

می‌باشد.^۱

۲. سوره هود، آیه ۸۶

«بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛

یعنی: جانشین خدا بهتر است برای شما اگر مؤمن باشید». امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: چون حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند، پشت به کعبه می‌دهد و سیصد و سیزده تن دور او جمع می‌شوند و اولین چیزی که بر زبان جاری می‌کند آیه: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» می‌باشد، آن‌گاه می‌فرماید: منم بقية الله و حجّت او و خليفة او بر شما، پس هر که سلام کند بر او، می‌گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»^۱.

۳. سوره اسراء، آیه ۸۱

«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ»؛

یعنی: بگو حق آمد و باطل از میان رفت».

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: منظور آیه این است که چون حضرت قائم علیه السلام انقلاب می‌کند (حق می‌آید و) دولت باطل از میان برود.^۲

۴. سوره آل عمران، آیه آخر

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ

تُفْلِحُونَ»؛

۱. نجم الثاقب، ص ۶۲.

۲. همان، ص ۶۹.

یعنی: ای کسانی که ایمان آوردید صبر کنید و دیگران را نیز دعوت به صبر نمایید و رابطه داشته باشید و تقوای الهی پیشه کنید، امید است که به رستگاری برسید».

امام باقر علیه السلام درباره این آیه می فرمایند: «إصْبِرُوا عَلَىٰ أَدَاءِ الْقَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عَلَىٰ أَذِيَّةِ عَدُوِّكُمْ وَ زَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمَهْدِيَّ الْمُنتَظَرَ؛ یعنی صبر کنید بر (رنج) بجا آوردن واجبات و همدیگر را سفارش بر صبر کنید نسبت به آزار و اذیت دشمنانتان و با امام خود مهدی منتظر رابطه داشته باشید».^۱

۵. سورة حدید، آیه ۱۷

«وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُخِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»؛

یعنی: بدانید خداوند زمین را پس از مرگ زنده می کند».

امام باقر علیه السلام می فرمایند: «يُخِيهَا بِالْقَائِمِ علیه السلام فَيَعْدِلُ فِيهَا فَيُخِي الْأَرْضَ بِالْعَدْلِ بَعْدَ مَوْتِهَا بِالظُّلْمِ؛ یعنی: [خدا] به وسیله حضرت قائم علیه السلام زمین را زنده و آباد می کند، او عدالت را در زمین می گستراند و زمین را با عدل و داد آباد می کند، آن گاه که به وسیله ظلم و ستم به مرگ و نابودی کشیده شده بود».^۲

۶. سورة انبیاء، آیه ۱۰۵

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛

۱. منتخب الاثر، ص ۵۱۵.

۲. همان، ص ۴۷۸.

یعنی: ما در زبور (داوود) پس از ذکر (تورات) نوشته‌ایم که این زمین را بندگان صالح من به میراث خواهند برد.»
 امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هُم أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛ یعنی: بندگان صالحی که خداوند در این آیه به عنوان وارثان زمین یاد می‌کند، یاران مهدی علیه السلام در آخر الزمان هستند.»^۱

۷. سوره قصص، آیه ۵

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛

یعنی: ما اراده کردیم بر آنهایی که در روی زمین به ضعف کشیده شده‌اند منت نهاده آنها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.»

از حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«هُمُ آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَّهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيُعِزُّهُمْ وَ يُذِلُّ عَدُوَّهُمْ؛ یعنی: این گروه آل محمد صلی الله علیه و آله هستند، خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می‌شود بر می‌انگیزد و به آنها عزت می‌دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می‌کند.»^۲

۱. مجمع البیان، ذیل آیه فوق.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۸.

سوره نور، آیه ۵۵

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛

یعنی: خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند وعده می‌دهد، که آنها را قطعاً خلیفه بر زمین خواهد کرد، همان‌گونه که پیشینیان را خلافت بر روی زمین بخشید و دین و آیینی را که برای آنها پسندیده پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت، و خوف و ترس آنها را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آنچنان‌که تنها مرا می‌پرستند، و چیزی را برای من شریک نخواهند ساخت و کسانی که بعد از آن کافر شوند، همانا فاسق و گنهگار هستند».

از امام سجّاد علیه السلام در تفسیر این آیه نقل شده که فرمودند:
«هُمُ وَاللَّهِ شِيعَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، يَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ عَلَى يَدَيَّ رَجُلٍ مِنَّا وَهُوَ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَهُوَ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَلِيَّ رَجُلٌ مِنْ عِثْرَتِي، إِسْمُهُ إِسْمِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلَّتُ جَوْرًا وَظُلْمًا؛

یعنی: به خدا سوگند آنها شیعیان ما هستند، خداوند این

کار را برای آنها به دست مردی از ما انجام می‌دهد که مهدی این امت است و هم اوست که پیامبر ﷺ در حق وی فرمودند: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن یک روز را آن قدر طولانی می‌کند تا مردی از دودمان من که نامش هم نام من است، حاکم بر زمین شود و صفحه زمین را پر از عدل و داد کند، آن‌گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد.^۱

در پایان این گفتار به گزیده‌ای از فهرست آیات قرآن کریم که تأویل و تفسیر آن به حضرت مهدی عجل الله فرجه اشاره دارد، توجه می‌کنیم:

۱. سوره بقره، آیات ۳ - ۱
۲. سوره بقره، آیه ۱۵۵
۳. سوره آل عمران، آیه ۲۰۰
۴. سوره توبه، آیه ۳۳
۵. سوره توبه، آیه ۳۶
۶. سوره اسراء، آیه ۳۳
۷. سوره اسراء، آیه ۸۱
۸. سوره نور، آیه ۳۵
۹. سوره نور، آیه ۵۵

۱. تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۶۲۰.



۱۰. سوره شعراء، آیه ۲۲۷
۱۱. سوره نمل، آیه ۶۲
۱۲. سوره صافات، آیه ۸۳
۱۳. سوره زخرف، آیه ۲۸
۱۴. سوره فتح، آیه ۲۸
۱۵. سوره صف، آیه ۸
۱۶. سوره ملک، آیه ۳۰
۱۷. سوره معارج، آیات ۱-۳
۱۸. سوره فجر، آیات ۱-۴
۱۹. سوره لیل، آیات ۱-۲
۲۰. سوره قدر، آیه ۵
۲۱. سوره بینه، آیه ۵
۲۲. سوره عصر، آیات ۱-۳

و نیز در این زمینه کتاب‌های فراوانی تألیف شده که در آنها روایات و احادیثی از پیامبر و امامان علیهم السلام راجع به حضرت مهدی علیه السلام نقل شده است که به برخی از آن احادیث اشاره می‌کنیم:

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

«أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛

یعنی: برترین عبادت، انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام



است»^۱.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي فَقَدْ أَنْكَرَنِي؛

یعنی: هر کس قائم از فرزندان مرا انکار کند، هر آینه مرا

انکار کرده است»^۲.

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ؛

یعنی: هر کس از دنیا برود، ولی امام زمان خود را

نشناسد، به مرگ زمان جاهلیت (قبل از اسلام) مرده است»^۳.

۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهُ النَّاسِ

بِي خَلْقًا وَخُلُقًا؛

یعنی: مهدی از فرزندان من است، نامش نام من و کنیه او

کنیه من است، شبیه‌ترین انسان‌ها به من از جهت ظاهری

و از جهت اخلاق و منش اوست»^۴.

۵. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

۱. منتخب الاثر، ص ۲۹۹ و این روایت در کتاب ینابیع الموده اثر عالم اهل

سنت جناب شیخ قندوزی در صفحه ۴۹۴ نیز وجود دارد.

۲. همان، ص ۲۹۲.

۳. الغدير، ج ۱۰، ص ۳۶۰.

۴. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷، ح ۱۳.



«طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ؛
یعنی: خوشا به حال کسی که قائم اهل بیتم را ببیند، در
حالی که قبل از انقلابش به او اقتدا کرده و از او پیروی نموده
است»^۱.

۶. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

«أَبْشِرُوا بِالْمَهْدِيِّ - يَمْلَأُ قُلُوبَ عِبَادِهِ عِبَادَةً وَ يَسَعُهُمْ عَدْلُهُ؛
یعنی: بشارت باد به مهدی، اوست که دل بندگان را مملو
از عبادت و بندگی نموده و تمامی آنها را در زیر سایه عدل
و عدالتش قرار خواهد داد»^۲.

۷. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

«يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ وَعَلَى رَأْسِهِ مَلَكٌ يُنَادِي: هَذَا الْمَهْدِيُّ فَاتَّبِعُوهُ؛
یعنی: حضرت مهدی قیام می کند و فرشته ای بالای سر او ندا
می کند: این شخص مهدی است، از او پیروی کنید»^۳.

۸. وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

«يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَ يَفْعَلُ بِسُنَّتِي وَيُنزِلُ اللَّهُ لَهُ
الْبَرَكَاتَةَ مِنَ السَّمَاءِ وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ بَرَكَاتَهَا؛

یعنی: مردی از دودمان من خواهد آمد که به راه و روش
من عمل می کند و خداوند برای او از آسمان برکت خواهد

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۲، ح ۱۵.

۲. همان، ص ۷۴، ح ۲۴.

۳. همان، ص ۸۱.

فرستاد و زمین برکت خود را عرضه خواهد کرد».^۱

۹. وَعَنْهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

«الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي وَجْهُهُ كَالْكَوْكَبِ الدُّرِّيِّ؛

یعنی: مهدی مردی از فرزندان من است که چهره‌اش

مانند ستاره درخشان درخشانده است».^۲

۱۰. عَنِ النَّبِيِّ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

«الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا؛

یعنی: مهدی از ما اهل بیت است که زمین را آکنده از عدل

و داد می‌کند، همان نحوی که از ظلم و ستم مملو شده است».^۳

۱۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

«مِنَّا الَّذِي يُصَلِّي عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ خَلْقَهُ؛

یعنی: از ماست آن کسی که عیسی بن مریم پشت سر او

نماز می‌خواند».^۴

۱۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

«يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا؛

یعنی: مردی از خانواده من ظهور خواهد کرد و زمین پر

از ظلم را آکنده از عدل خواهد نمود».^۵

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۲.

۲. همان، ص ۸۰.

۳. همان، ص ۸۰.

۴. همان، ص ۸۴.

۵. همان، ص ۸۴.

پیش و پاش

۱. دو آیه از قرآن را با ترجمه بنویسید که راجع به امام زمان علیه السلام باشد.
۲. در مورد آیه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ» امام باقر علیه السلام چه فرموده است؟
۳. سه حدیث راجع به حضرت مهدی علیه السلام بنویسید.

درس پنجم

دولت کریمه، مدینه فاضله

آنچه در این درس می‌خوانیم:

۱. پس از تشکیل دولت توسط حضرت مهدی (عجل الله
- تعالی فرجه الشریف) چه اتفاقی می‌افتد؟
۲. کمبودهای همیشگی بشر
۳. فواید حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه

(الشریف)

دولت کریمه، مدینه فاضله

در این درس به یکی از مهم‌ترین سؤالات راجع به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهیم پرداخت و آن این است که وقتی آن حضرت ظهور می‌کند و حکومت و دولت تشکیل می‌دهد، چه اتفاقی می‌افتد؟ چه اثرات و بهره‌هایی برای مردم دارد؟ و به اصطلاح چه مدینه فاضله‌ای را بپا می‌کند؟

برای پاسخ به این سؤال باید دید که امروزه مردم دنیا از چه چیزهایی رنج می‌برند، چه کمبودهایی در زندگی خود احساس می‌کنند. و از طرفی چه توقعات و آرزوهایی دارند که این کمبودها و توقعات مخصوص زمان امروز نیست، بلکه هم در زمان‌های قبل بوده و هم در آینده نیز خواهد بود و همیشه بشر در جست‌وجوی راه‌هایی بوده که رنج زندگی را کم کند و آرزوهای طولانی خود را تحقق بخشد.

فهرست کلی کمبودها و دغدغه‌های بشر همواره در گذشته و حال و آینده عبارت است از:

۱. ناامنی «در دو بعد روحی، روانی و مادی»

همیشه انسان‌ها از ناامنی‌هایی که در جامعه متوجه خود و خانواده آنها بوده در رنج و ناراحتی بسر می‌بردند، همواره گرگ‌های انسان‌نما به گله‌های بی‌پناه حمله می‌کردند، گاهی دین مردم و گاهی دنیای مردم را مورد تاخت و تاز خود قرار می‌دادند که در تاریخ شواهد زیادی را می‌توانید مطالعه کنید که نزدیک‌ترین زمان و بهترین شاهد دوران حکومت پهلوی در ایران است. رضا خان پهلوی که فردی بیسواد ولی قلدر و زورگو بود، به کمک دولت‌های بیگانه، به عنوان شاه ایران ابتدایی‌ترین اصول دموکراسی و مردم‌داری را رعایت نمی‌کرد. هر گونه فریاد آزادی خواهی را سرکوب می‌نمود، با دین و دیانت مخالفت جدی کرد، با قلدری و زورگویی و اجبار، حجاب بانوان را منع کرد و هر گونه عزاداری برای حضرت سیدالشهدا را ممنوع نمود. وقتی زمان نوکریش بسر آمد، او را به جزیره موریس تبعید و فرزندش را حاکم کردند. او نیز مانند پدر کاری کرده بود که فساد و فحشا در کشور بیداد می‌کرد و مردم به شدت احساس ناامنی

می‌کردند، او کاری کرده بود که در کشور ایران اگر یک کارمند سفارت آمریکا، یک ایرانی متشخص را به قتل می‌رساند، هیچ دادگاهی در ایران صلاحیت محاکمه آن کارمند را نداشت، این از بابت دولت‌ها. و از جهت روابط اجتماعی نیز مردم دغدغه ناامنی داشتند، کلاهبرداری‌های مالی، سرقت‌های مالی و جانی و از این قبیل امور که نگرانی‌های زیادی برای مردم داشت.

۲. فقر و نداری:

نگرانی دیگر جوامع بشری، گرسنگی و فقر بوده که گاهی این فقر و نداری دین مردم را نیز تحت الشعاع خود قرار می‌داده و به خاطر کمبودهای مالی، دست از دین بر می‌داشتند؛ چنان‌که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا؛ یعنی: چه بسا فقر آدمی را به کفر و الحاد نزدیک می‌کند»^۱.

۳. جهل و بیسوادی:

یقیناً یکی از بدبختی‌های جامعه، نادانی و بیسوادی است. عدم علم و اطلاعات صحیح، جامعه و مردم را به انحطاط

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۷، باب الحسد.

می‌کشاند و از حرکت در مسیر صواب باز می‌دارد، و همیشه افراد شیطان‌صفتی از جهل مردم استفاده کردند و خود را به عنوان حاکم و رئیس معرفی نمودند و سال‌های سال دین و دنیای مردم را به تاراج بردند. امروزه اگر مردم در زندگی مادی خود از کمبود آب، انرژی، غذا، مسکن رنج می‌برند، به خاطر این است که اطلاعات و علم کافی ندارند تا از مواهب الهی بهره‌برداری کافی نمایند. خیلی از نزاع‌ها و کشمکش‌ها، تهمت‌ها، غیبت‌ها، دروغ‌ها، تزویرها و آدم‌کشی‌ها به سبب عدم علم و اطلاع و بی‌سوادی است.

۴. اضطراب و استرس روحی:

همواره مردم فراوانی در جوامع بشری دچار افسردگی‌های روحی و روانی هستند و بسیاری از مردم گرفتار استرس و اضطراب‌های ناشناخته می‌باشند؛ برای بسیاری از مردم زندگی مفهوم درستی ندارد و نمی‌توانند از زندگی کردن لذت ببرند و عده زیادی به خاطر همین مسائل دچار ناهنجاری‌های رفتاری هستند.

۵. دین‌گریزی:

امروزه نسل جوان در دنیا از دین‌گريزان است و نمی‌داند

دین و مذهب چه نقشی در زندگی او دارد، او تصور صحیحی از دین ندارد. به همین جهت خود را محدود به همین دنیا می‌داند و تمام فکر خود را برای همین دنیا متمرکز می‌کند و به جهان دیگری اصلاً فکر نمی‌کند و بر همین اساس به بن‌بست‌هایی می‌رسد که هرگز امکان بازگشت هم ندارد.

۶. ظلم و ستم:

فطرت بشری در طول تاریخ این‌گونه بوده است که به دنبال عدالت می‌گردد و از ظلم و ستم گریزان است. حتی از ظلم به یک مورچه نیز ناراحت می‌شود و فریاد برمی‌آورد: میازار موری که دانه کش است

که جان دارد و جان شیرین خوش است

اکنون این سؤال به ذهن می‌رسد که برنامه خدا برای انسان روی زمین چه بوده؟ آیا خدا می‌خواسته بشر در کره زمین در ناراحتی و سختی بسر برد و از ناامنی و ظلم و فقر و پریشانی و جهل در رنج و عذاب باشد و یا برنامه‌ای دیگر داشته؟

خود حضرت حق در قرآن می‌فرماید: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»؛ یعنی: ای بشر من تو را جانشین خود روی



زمین قرار دادم و زمام امور زمین را به تو سپردم»^۱ و در جای دیگری می‌فرماید: «وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً»؛ یعنی: کل کائنات را مسخر شما نمودیم تا شما کاملاً از آن بهره برداری نمایید»^۲.

معلوم می‌شود خواسته خداوند رفاه و آسایش مادی و معنوی بشر است و از این که بهترین مخلوقش در رنج و عذاب باشد به شدت ناراحت است. لذا یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر را فرستاد تا راه و رسم زندگی کردن را به بشر آموزش دهند و زمینه رفاه و آسایش آنها را فراهم نمایند. و آخرین وصی خود را ذخیره نموده تا در فرصت مناسب پرده از رخسار زیبایش بردارد و زیبایی‌ها را به بندگانش مرحمت نماید.

فواید حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام

۱. رفع محدودیت‌ها:

دنیای متمدن امروز دنبال این است که محدودیت‌های بین جوامع را بردارد، مرزها را محو کند و به اصطلاح یک دهکده جهانی ایجاد کند که هم اکنون گام‌هایی نیز در این

۱. سوره بقره، آیه ۳۰.

۲. سوره جاثیه، آیه ۱۳.

زمینه برداشته شده است. مرزهای بین بسیاری از کشورهای اروپایی را حذف نموده و واحد پول را در این کشورها یکسان کرده‌اند. همه اینها به خاطر این است که انسان از مرز و محدودیت گریزان است و به دنبال آزادی می‌گردد. با ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و تشکیل حکومت جهانی همه مرزها و همه حکومت‌ها و همه سلیقه‌ها محو خواهد شد، جهان فقط یک حاکم دارد؛ با یک سلیقه اداره می‌شود، هیچ مرزی در عالم وجود ندارد و تمام مردم با یکدیگر پیوند و ارتباط نزدیک دارند. اجتماع باشکوهی از مشرق و مغرب عالم به وجود می‌آید.

از حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَمَعَ اللَّهُ أَهْلَ الْمَشْرِقِ وَ أَهْلَ الْمَغْرِبِ؛

یعنی: وقتی قائم آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ظهور کند و حکومت جهانی بپا شود، خداوند تمامی مردم مشرق زمین و مغرب زمین را به فرمان او جمع خواهد نمود»^۱.

۲. رفاه و آسایش:

در مدینه فاضله حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

۱. منتخب الاثر، ص ۴۷۷.

بیکاری و گرسنگی، و عدم مسکن وجود ندارد، هر غیر
ممکنی، ممکن می‌شود.

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند:

«يُقَرَّبُ عَلَيْهِ كُلُّ بَعِيدٍ»

یعنی: هر غیر ممکن به دست حضرت مهدی (عجل الله

تعالی فرجه الشریف) ممکن می‌شود.^۱

از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

«إِنَّهُ يَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ وَ يَقْسِمُ الْمَالَ»

یعنی: حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تمام

گنج‌ها و معدن‌های پنهانی را استخراج می‌کند و ثروت را
بین مردم تقسیم می‌نماید.

در حدیث دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«و تَزِيدُ الْمِيَاهُ فِي دَوْلَتِهِ وَ تَمُدُّ الْأَنْهَارُ وَ تَضَعُ الْأَرْضُ
أَكْلَهَا»

یعنی: در زمان حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

آب‌ها فراوان و رودها پر موج و زمین‌های کشاورزی دوبار
به ثمر خواهند نشست.^۲

هرگز هیچ زمین بایری وجود نخواهد داشت، چرا که

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۶۴.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۷۴.

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: در زمان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گیاهان و سبزه زارها تمامی جهان را فراخواهد گرفت.^۱

و از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

«لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا يُعَمَّرُهُ»

یعنی: هیچ نقطه‌ای از زمین ویران و پست باقی نماند،

مگر این که حضرت آن جا را آباد خواهد نمود.^۲

در نتیجه باید گفت: با آبادانی مطلق آیا کسی بدون مسکن

خواهد بود؟ آیا کسی از بیکاری رنج می برد؟ و آیا مسئله

کمبود غذا کسی را عذاب می دهد؟

۳. عدالت و امنیت:

با تشکیل حکومت جهانی ولی عصر (ارواحنا فداه)، بساط ظلم

و ستمکاری برچیده خواهد شد، عدالت و امنیت سراسر

جهان را فراخواهد گرفت. چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «يَمْلَأُ

الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»

یعنی: جهان را مملو از عدالت و امنیت خواهد کرد

همان گونه که پر از ظلم و ناامنی شده است.^۳

۱. منتخب الاثر، ص ۴۷۴.

۲. همان، ص ۴۸۲.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۴.

این امنیت به گونه‌ای است که احدی حق ندارد به زور خوابیده‌ای را بیدار کند و خونی را به ناحق بریزد. در تفسیر آیه «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»؛ بدانید خداوند زمین را بعد از مرگش زنده خواهد کرد.^۱

امام باقر علیه السلام فرمودند: یعنی: خداوند زمین را با وجود حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زنده می‌کند، در زمین بساط عدالت را می‌گستراند و در نتیجه زمین با عدالت احیا می‌شود، همان‌گونه که با ستم و ظلم مرده بود.^۲

و از حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«يَبْعَثُ الْمَهْدِيُّ إِلَى أَمْرَائِهِ بِسَائِرِ الْأَمْصَارِ بِالْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ وَتَرَعَى الشَّأْءَ وَالذُّبُّ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ»

یعنی: حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرماندهان و استانداران خود را با فرمان عدل و داد در سرتاسر جهان به مأموریت خواهد فرستاد و به گونه‌ای آزار و اذیت محو خواهد شد که گوسفندان در کنار گرگ‌ها به چرا می‌پردازند.^۳

به گونه‌ای امنیت فراهم می‌گردد که یک بانو به تنهایی از عراق به شام مسافرت خواهد کرد و از هیچ درنده‌ای

۱. سوره حدید، آیه ۱۷.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۷۴.

۳. همان، ص ۴۷۴.

وحشت نخواهد کرد. چرا که از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند: در زمان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پیرزنی ناتوان از شرق عالم به غرب عالم به راه خواهد افتاد و در این مسیر هیچ کس او را اذیت نخواهد کرد.^۱

۴. شکوفایی علم و دانش:

در عصر انقلاب جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، پیشرفت و شکوفایی فوق العاده علوم در تمام زمینه‌ها و در بالاترین حد مشاهده می‌شود. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «ریشه علم و دانش دارای بیست و هفت رشته است. تمام پیامبران آنچه از علوم برای مردم تاکنون آورده‌اند، فقط دو رشته بوده، هنگامی که قائم ما قیام کند بیست و پنج رشته دیگر از علوم را نیز به ارمغان خواهد آورد و در میان مردم منتشر می‌کند.»^۲

وقتی می‌شنویم که علم پیشرفت می‌کند، یعنی هم در علم دین و هم در علم دنیا مردم بهره‌های فراوانی از وجود نازنین امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهند برد. در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمودند:

۱. منابع الموده، ص ۴۲۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَكَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ؛

یعنی: فرد با ایمان در زمان حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در حالی که در مشرق عالم سکونت دارد برادرش را که در مغرب زمین ساکن است مشاهده می‌کند و آن کس که در مغرب است برادرش را که در مشرق می‌باشد می‌بیند».^۱

همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند: «زمانی که قائم ما قیام کند، خداوند عزوجل گوش‌ها و چشم‌های شیعیان ما را چنان شنوا و بینا می‌کند که هرگز نیازی به پیک میان آنها و حضرتش نیست و از مقرّ حکومتی خود با آنان سخن می‌گوید. آنها او را می‌بینند و سخنانش را گوش می‌کنند».^۲

شاید معنای روایت این باشد که علم و صنعت، آن قدر پیشرفت خواهد کرد که دستگاه‌های مدرن‌تری از ماهواره‌های فعلی به وجود می‌آید تا مردم به راحتی با حضرت ارتباط داشته باشند.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمان جدید،

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

۲. همان، ص ۳۳۶.

کتاب جدید و قانون قضایی جدیدی عرضه خواهد کرد.^۱ یعنی در عصر حضرت نوآوری و رشد و شکوفایی در تمامی عرصه‌های علمی و مدنی و اجتماعی به وجود خواهد آمد.

همچنین از حضرت باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ؛

یعنی: به برکت قیام و انقلاب حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خداوند با عنایت و رحمتی که به بندگان خود می‌کند عقل و اندیشه‌هایشان را کامل خواهد کرد.^۲

خلاصه انقلاب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یکجانبه نخواهد بود، بلکه در تمامی زمینه‌ها انقلاب به وجود خواهد آمد، یعنی در علم، صنعت، قضاوت، پزشکی، روابط اجتماعی و هیچ مجهولی در قرآن، فقه، اخلاق، اقتصاد، قضا و... نخواهد بود، چرا که هر مجهولی را حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) معلوم خواهد کرد و مردم از رنج و عذاب جهل و نادانی نجات پیدا خواهند نمود و یک رَویة واحد و یک نظر واحد و واقعی در تمامی

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴.

۲. همان، ص ۳۲۸.

علوم پیدا خواهد شد.

از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ؛

یعنی: در دولت کریمه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

خداوند آفت و درد و بیماری را از شیعیان ما بزداید»^۱.

شاید این عنایت با شناخت بیماری‌ها از طریق پیشرفت

علم پزشکی در آن زمان باشد.

۵. گرایش‌های دینی و اخلاقی:

در مدینه فاضله حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

مردم گرایش شدیدی به دین و مذهب پیدا خواهند کرد و با

عشق و علاقه و نیز با بصیرت و درایت، از دین پیروی

خواهند داشت.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «وقتی که قائم ما قیام کند، هیچ

کافر و مشرکی در عالم پیدا نمی‌شود، مگر اینکه قیام و آیین

حضرت را خواهد پذیرفت»^۲.

و همچنین می‌فرمایند: «قائم همه دین را در همه عالم

گسترش می‌دهد»^۳.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷.

۲. همان، ص ۳۴۶.

۳. همان، ص ۳۴۵.

و امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند: «دین خدا به وسیله قائم زنده گردد و بدعت‌ها (خرافات دینی) و باطل‌ها نابود شود. و مردم به عبادت روی خواهند آورد. «يَذْهَبُ الزَّانِئُ وَ شُرْبِ الْخَمْرِ وَ يَذْهَبُ الرَّيَّا وَ يَقْبَلُ النَّاسُ عَلَى الْعِبَادَاتِ وَ الشَّرْعِ وَ الدِّيَانَةِ وَ الصَّلَاةِ فِي الْجَمَاعَاتِ؛ یعنی: زنا و شرب خمر و رباخواری از بین می‌رود و مردم به نماز و عبادت و شرع روی می‌آورند»^۱.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «زمانی که قائم قیام کند سرزمینی باقی نمی‌ماند که در آن ندای شهادت *أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ* بلند نشود»^۲.

و نیز حضرت می فرمایند: «که حضرت قائم در پشت کوفه مسجدی بنا می‌کند که هزار درب دارد و علتش را امام علیه السلام می فرماید: تا مصلاهی بزرگ و فراگیر برای همه جمعیت باشد»^۳.

۶. صلح و صفا و برادری:

در دولت کریمه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) استرس‌ها و اضطراب‌های روحی که در اثر روابط غلط خانوادگی،

۱. عقد الدرر به نقل از منتخب الاثر، ص ۴۷۴.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

۳. همان، ص ۳۳۱.

اجتماعی و اقتصادی به وجود می‌آید، برطرف می‌شود
و مردم کنار یکدیگر با آرامش زندگی خواهند کرد.

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

«... إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُزَامَلَةُ وَ يَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ
أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ كَأَنَّمَا أَبَاهُمْ وَاحِدٌ وَالْأُمُّ وَاحِدَةٌ
قُلُوبُهُمْ مُجْتَمِعَةٌ بِالْمَحَبَّةِ وَالنَّصِيحَةِ؛

یعنی: در دولت کریمه امام زمان، رفاقت و برادری به
نحوی برقرار می‌شود که هر کس دست به جیب برادرش
کرده و به قدر نیاز بدون ممانعت از آن پول برمی‌دارد. گویی
پدر و مادرشان یکی است و قلب‌ها بر عشق و محبت
و نصیحت می‌تپد»^۱.

در پایان باید گفت، مواردی که ذکر شد دورنمایی از
دولت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود،
یقیناً تصور آنچه در زمان ظهور به وجود می‌آید غیر ممکن
است. لذا دعا می‌کنیم به زودی دولت کریمه حضرت مهدی
(عجل الله تعالی فرجه الشریف) با آن همه زیباییهایش را ببینیم.

پیش وپس

۱. انسان‌ها در کره زمین معمولاً از چه چیزهایی رنج می‌برند؟
۲. شکوفایی علم در زمان ظهور چگونه خواهد بود؟
۳. شکوفایی و رونق کشاورزی و اقتصادی در زمان ظهور چگونه خواهد بود؟

درس ششم

انتظار و منتظران

آنچه در این درس می‌خوانیم:

۱. انتظار یعنی چه؟
۲. ویژگی‌های منتظران کدام است؟
۳. تفکری غلط و انحرافی در عصر حاضر.

انتظار و منتظران

از پیامبر گرامی اسلام نقل شده که فرمودند:

«أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ؛

یعنی: برترین اعمال امت من منتظر بودن و چشم به راه بودن آمدن گشایش و نجات از تنگناهاست»^۱.

حال این سؤال پیش می‌آید که انتظار یعنی چه؟ و چرا امت پیامبر باید چشم به راه باشند؟ و این چشم به راهی چه خاصیتی دارد؟

یقیناً می‌دانید کسی که منتظر وقوع یک حادثه‌ای است که به دلخواه اوست، یا چشم به راه شخصی است که مشتاق دیدار اوست، نمی‌تواند آسوده دست روی دست بگذارد و برای سرعت بخشیدن و هموار کردن وقوع آن امر مهم تلاشی نکند.

انتظار یعنی زمینه سازی برای حضور امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و منتظر کسی است که تلاش می‌کند تا زمینه‌هایی را فراهم کند تا ظهور حضرت سریع‌تر انجام گیرد. پس واقعاً برترین اعمال، عملی است که منتهی شود به استقرار یک حکومت عدل الهی به رهبری ولی الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف). بنابراین پاداش و اجر منتظران بسیار عظیم و بزرگ است که به برخی از آن پاداش‌ها در روایات اشاره شده است:

۱. امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمودند: هر شخصی که در حال انتظار بمیرد شهید خواهد بود، اگر چه در رختخواب مرده باشد.^۱
۲. منتظران بهترین مردم زمان هستند.^۲
۳. منتظران همانند کسانی هستند که در راه خدا شمشیر زده و در خون خود غلطیده‌اند.^۳
۴. منتظران همانند کسانی هستند که در کنار امام زمان علیه السلام به شهادت رسیده‌اند.^۴
۵. به منتظران اجر هزار شهید همانند شهدای بدر داده

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

۲. همان، ص ۱۲۲.

۳. همان، ص ۱۲۲.

۴. همان، ص ۱۲۲.

می شود.^۱

۶. منتظران از برخی شهدای بدر و احد بهترند و خداوند راه روزی را بر ایشان باز می نماید. و آنان را در زمره اولیای الهی قرار خواهد داد که هیچ ترس و وحشتی در آنها نیست.^۲

ویژگی های منتظران

اینک باید به پرسش دیگری پاسخ دهیم و آن این که منتظر حقیقی دارای چه ویژگی هایی است؟ کسی که خود را منتظر امام می داند، به صرف نام گذاری دردی دوا نمی شود، بلکه باید دید به دست این منتظر چه مقدماتی برای ظهور فراهم می شود؟ لذا باید منتظر در دو جبهه تلاش کند:

اول: خودسازی؛ که بدون خودسازی امکان حضور در جمع یاران امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) میسر نیست.
دوم: جامعه سازی و یارسازی؛ که حضرت بدون یار و یاور، امکان انقلاب و ظهور برایش میسر نیست.

خودسازی

در بُعد خودسازی باید گفت که منتظر طبق فرموده بزرگان

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

۲. همان، ص ۱۲۸.

دین باید عمل به موارد ذیل کند:

۱. عمل به تکلیف: تلاش و کوشش کند تا به فرایض و واجبات دینی عمل نماید و از محرّمات دوری کند.
۲. محاسن اخلاق: یعنی خود را به زیور اخلاق خوب و نیکو مزیّن نماید و از خصالت‌های زشت و ناپسند دوری کند.

امام صادق علیه السلام فرموده است:

«مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ فَجِدُّوا وَأَنْتَظِرُوا هَنِيئاً لَكُمْ آيَتُهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ؛

یعنی: هر کس که دوست دارد از یاران قائم باشد، باید همواره در انتظار ظهور باشد و حتماً باید کارهایش بر اساس تقوا، پاکی و اخلاق نیک باشد، چنین کسی منتظر امام است. پس باید در این راه بکوشید و آماده باشید، گوارا باد بر شما ای جوانمردان که رحمت خدا با شماست»^۱.

۳. تجدید عهد و پیمان آمادگی: منتظر واقعی لازم است حداقل یک دوره چهل روزه پیمان خود را با حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تجدید نماید. لذا باید چهل روز دعای عهد بخواند، به همان نحوی که در

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۰.

مفاتیح الجنان وارد شده است. البته دقت در مضامین این دعا به مراتب مهم تر از خواندن آن است.

۴. دعای برای سلامتی حضرت ولی عصر علیه السلام: یکی از

وظایف منتظران که در خودسازی بسیار مفید است، دعا برای سلامتی حضرت و پرداخت صدقه برای آن بزرگوار است. بهترین دعا برای سلامتی حضرت، دعای «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ...»^۱ می باشد که با این دعا منتظر در واقع برای خود نیز دعا کرده است و روح و روان خود را نیز تلطیف نموده است.

۵. معرفت و شناخت کامل: منتظر واقعی کسی است که

به امام زمانش معرفت و شناخت کامل و کافی داشته باشد و روزی بر او نمی گذرد تا این که به گوشه ای از زوایای حیات حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) معرفتی پیدا کند. بنابراین مطالعه کتب و حضور در مجالس و محافل معرفتی که برگزار می شود و همچنین جهت دریافت انوار اشراقیه، حضور در مسجد سهله و جمکران که منسوب به حضرت است ضروری و لازم است. از امام صادق علیه السلام در این زمینه مطلب مهمی نقل شده است.

حضرت فرمودند:

«لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْأئِمَّةَ كُلَّهُمْ»

وَأَمَامَ زَمَانِهِ وَيُرَدُّ إِلَيْهِ وَيُسَلَّمُ لَهُ؛

یعنی: بنده خدا زمانی به درجه کامل ایمانی می‌رسد که خدا و رسولش و تمامی امامان و امام زمان خود را بشناسد و به او مراجعه کند و تسلیم فرمان او باشد.^۱

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۲ فرمودند: «اصْبِرُوا عَلَى الْمَضَائِبِ وَصَابِرُوا عَلَى الْقَرَائِصِ وَرَابِطُوا عَلَى الْأَيْمَةِ؛ یعنی: در برابر مشکلات شکیبایی ورزید و در انجام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها پایدار باشید و با امامان رابطه برقرار کنید».^۳

و نیز در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده که: «رَابِطُوا به معنای حضور نزد امام است».^۴

جامعه‌سازی

در بُعد جامعه‌سازی، یعنی جامعه را آماده نمودن و جذب یار و همراه، باید به موارد ذیل توجه نمود:

۱. امر به معروف و نهی از منکر: همه می‌دانیم امر و نهی

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۸۰.

۲. سوره آل عمران، آیه ۲۰۰.

۳. تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ج ۱، ص ۱۲۹.

۴. الغیبه، نعمانی، ص ۱۹۹.

باید از کسی صادر شود که شایستگی این مسئله را داشته باشد. یعنی اول باید کاملاً معروف و منکر را بشناسد و دوم در مقامی باشد که دیگران پذیرای اوامر و نواهی او باشند. بنابراین باید گفت: امروزه پدران و مادران نسبت به فرزندانشان و آموزگاران و دبیران و استادان نسبت به شاگردانشان، کارفرماها نسبت به کارگرانشان، وزرا و رؤسای ادارات نسبت به کارمندانشان وظیفه‌ای بس خطیر دارند. یعنی اگر مایلند امام زمان ظهور کنند باید نسبت به افرادی که از آنها پذیرش دارند احساس مسئولیت کنند، آنها را به وظایف دینی و الهی آشنا نمایند و از آلوده شدن به گناهان و معاصی جلوگیری نمایند تا زمینه ظهور فراهم گردد.

۲. تشکیل دولت و حکومت اسلامی: یقیناً اگر

جامعه‌ای بر اساس قوانین اسلام حرکت نماید و رئیس دولت ضوابط اسلامی و شرعی را مراعات نموده و آنها را در جامعه سرایت دهد و قانونمند نماید، معروف به صورت گسترده‌ای در جامعه پرورش و رشد پیدا خواهد کرد و منکر به کنار خواهد رفت. معروف یعنی: نماز، حلال خوری، خوش اخلاقی، عدالت، صلح رحم، دستگیری از ناتوانان. و منکر یعنی: ظلم و ستم، اختلاف طبقاتی، زنا و فحشا،

دزدی، دروغ و خیانت و...

رییس یک دولت اسلامی می‌تواند معروف را رواج و رونق دهد و از منکر با قدرتی که دارد جلوگیری نماید و این می‌شود زمینه تشکیل حکومت جهانی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

تفکری انحرافی و غلط در عصر ما

در عصر حاضر یک تفکر انحرافی و غلط - که ناشی از برداشت‌های غلط از بعضی از روایات است - رواج خاصی پیدا کرده و آن تفکر این است که هر انقلاب و نهضتی که قبل از انقلاب و نهضت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رخ دهد محکوم به شکست است. لذا صاحبان این تفکر از طرفداران خود می‌خواهند در امور انقلاب و نهضت دخالتی نکرده و مردم را از این امر بر حذر می‌دارند و فقط به تبلیغ فردی روی می‌آورند و کاری به حکام و دولتمردان ندارند. در حالی که منظور روایات این است که هر نهضت و انقلابی که به نام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بپا شود که رهبر انقلاب مدعی مهدویت شود، محکوم به شکست است، نه این‌که منتظران کاری به حکومت و سیاست نداشته باشند؛ بلکه بر اساس عقل و منطق

و دستور شرع اسلام همه منتظران موظفند کاری کنند که مردم آماده ظهور باشند. یقیناً در حکومت و دولتی که دستورات اسلام را اجرا می‌کند، زمینه ظهور بیشتر فراهم می‌گردد. البته هر دولت اسلامی قبل از دولت اسلامی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بدون تردید زمینه ساز خواهد بود، ولی هیچ شباهتی با دولت حضرت ندارد، چرا که مدینه فاضله امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بهشت روی زمین است و با مقیاس‌های عادی و معمولی فرق بسیار دارد.



پرسش و پاسخ

۱. انتظار یعنی چه؟
۲. ارزش انتظار چیست؟
۳. وظیفه منتظران واقعی چیست؟

درس هفتم

پاسخ به پرسش‌ها پیرامون

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

آنچه در این درس می‌خوانیم:

۱. تشکیل دولت قبل از دولت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه

الشریف)

۲. آیا حضرت زن و فرزندی دارد؟

۳. راز طول عمر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

۴. مسکن حضرت کجاست؟

۵. مدت حکومت حضرت چه قدر است؟

۶. آیا حضرت دین و شریعت جدیدی می‌آورد؟

پاسخ به پرسش‌ها پیرامون حضرت مهدی علیه السلام

در این درس می‌پردازیم به پاسخ به بعضی از سؤالات و شبهاتی که پیرامون مسئله مهدویت مطرح می‌گردد. بیشتر سؤالاتی که در ذهن جوانان و نوجوانان بروز می‌کند عبارتند از:

۱. آیا تشکیل دولتی قبل از دولت امام زمان جایز است؟
۲. آیا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زن و فرزندی دارد؟
۳. راز طول عمر حضرت چیست؟
۴. مسکن و خانه حضرت کجاست؟
۵. آن حضرت پس از ظهور، چند سال حکومت می‌کند؟
۶. امام زمان علیه السلام پس از ظهور، آیا دین و شریعت جدیدی می‌آورد؟
۷. آیا ظهور حضرت نشانه دارد؟

۸. امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را چگونه می‌توان شناخت؟

۹. اسرار نام‌های حضرت چیست؟

۱۰. یاران حضرت چه کسانی هستند؟

۱۱. کار فعلی حضرت چیست؟

پاسخ پرسش اول (دولت اسلامی قبل از دولت امام زمان علیه السلام)

در بیان نخستین سؤال که معمولاً مطرح می‌شود و زمینه شک و تردید را فراهم می‌کند و موجب می‌شود که برخی با ایجاد شبهه مسیر انحراف را پی گیرند؛ لازم است توضیح مختصری بدهیم و آن سؤال این است که از پیامبر اسلام نقل شده که: «امام عصر علیه السلام زمانی ظهور می‌کند که زمین پر از ظلم و فساد شده است»^۱. پس چه نیازی است که ما تلاش کنیم تا مردم در جامعه پاکدامن زندگی کنند، بلکه برعکس باید تلاش کنیم که ظلم و فساد زیاد شود تا حضرت امام زمان علیه السلام زودتر ظهور کنند؟ و بعضی‌ها بر اساس این کج‌اندیشی، تلاش برای تشکیل دولت اسلامی را باطل

۱. «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا». (بحارالانوار، ج ۵۱،



می‌شمارند و در این زمینه هیچ اقدام و حرکتی انجام نمی‌دهند.

در مقام پاسخ به این سؤال باید گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند هر زمان ظلم زیاد شد، ظهور هم میسر می‌شود، ولی پیامبر فرموده‌اند که هر گاه ظالم زیاد شود. اگر بگوییم باید مردم را به حال خود رها کنیم و از گناه و فحشا جلوگیری نکنیم، در این صورت ظالم زیاد خواهد شد، در حالی که یک ظالم می‌تواند در کل جامعه و زمین ظلم و فساد را رونق دهد، مثل معاویه‌ها، یزیدها، متوکل‌ها و هیتلرها، صدام‌ها و... پس ما باید مردم را سالم و متدین نگاه داریم تا حضرت یار داشته باشد تا با سردمداران ظلم و جنایت مبارزه کند.

از طرفی می‌گویند: از امام صادق علیه السلام نقل شده که هر دولت و پرچمی قبل از ظهور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بپا شود سرنگون خواهد شد و به موفقیت نخواهد رسید. بنابراین تلاش برای ایجاد دولت اسلامی پیش از ظهور حضرت، محکوم به شکست است.

در جواب باید گفت: شاید منظور امام صادق علیه السلام این باشد که هر پرچمی که به نام حضرت مهدی علیه السلام قبل از ظهور برپا شود، محکوم به شکست است و این مطلب درستی

است. چرا که خیلی از سودجوها به نام امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرچمی بپا کردند و مردم را به نام حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سوی خود دعوت کردند و دنبال منافع دنیوی خود بودند که قهراً تا امروز با شکست همراه بوده است. ولی اگر دولتی بر پا گردد تا زمینه‌های ظهور آن حضرت را فراهم نماید، یقیناً مورد تأیید حضرت قرار خواهد گرفت.

پاسخ پرسش دوم (همسر و فرزند)

آیا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همسر و فرزند دارد؟
 جواب: ازدواج و داشتن همسر و فرزند، از دستورات مستحبی دین اسلام است و تأکید فراوانی به آن شده است و پیامبر و ائمه علیهم‌السلام نیز به آن سفارش نموده‌اند، ولی گاهی به خاطر مصالح مهمی می‌توان این دستور مستحبی را به تأخیر انداخت. در مورد آن حضرت نیز می‌توان گفت: همان‌طور که خیلی از اموری که منسوب به ایشان است از اسرار شمرده می‌شود، مثل طول عمر، غیبت و... مسئله همسرداری نیز از اسرار به حساب می‌آید و کسی از راز آن آگاه نیست، همان‌گونه که حضرت عیسی علیه‌السلام به سبب مصالحی ازدواج نکرد و عدم ازدواج او از اسرار بود.

پاسخ پرسش سوم (راز طول عمر)

راز طول عمر امام عصر علیه السلام چیست و آیا سابقه‌ای در این زمینه در تاریخ بشریت بوده است؟

جواب: از مسلمات تاریخ این است که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامرا به دنیا آمد و تا به امروز، یعنی در سال ۱۴۳۱ قمری، عمر شریف حضرت ۱۱۷۶ سال می‌شود که البته به نظر غیر عادی می‌رسد. یعنی عادتاً انسان‌ها حداکثر تا ۱۲۰ سال عمر می‌کنند، آن هم به ندرت و اگر از این مرز بگذرد غیر عادی است و این مطلب درستی است، ولی این امر غیر عادی محال نیست. کور مادرزاد در حالت عادی چشم‌دار نمی‌شود، ولی امکان دارد که خداوند توسط پیامبری مثل حضرت عیسی علیه السلام به او چشم عنایت نماید. پس در همین زمان با رعایت مسائل تغذیه، تنفس و... می‌شود به عمر طولانی دست یافت.

دکتر هاورز آلمانی می‌نویسد: «امروز علم پزشکی به یاری تغذیه، حدود عمر را از سر راه برداشته، ما امروز بر خلاف اجداد و نیاکان خویش، می‌توانیم به یک عمر طولانی امیدوار باشیم. طبق یک اصل علمی، ثابت شده است هر موجود زنده‌ای می‌تواند هفت تا چهارده برابر سنی که به

دوره بلوغ می‌رسد، عمر کند.^۱ سابقه عمر طولانی در تاریخ بشریت را قرآن با صراحت بیان می‌کند که: «حضرت نوح علیه السلام ۹۵۰ سال در میان قوم خود به تبلیغ و ترویج دین پرداخت.»^۲ و نیز در مورد حضرت عیسی علیه السلام می‌گوید: «او را هرگز به قتل نرساندند، بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد.»^۳

پاسخ پرسش چهارم (مسکن حضرت کجاست)

مسکن و خانه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) امروزه در چه کشوری واقع است؟

جواب: مسکن حضرت قبل از غیبت صغری در مدینه منوره و مدتی هم در سامرا بوده است. امام حسن عسکری علیه السلام فرزند خود را جهت رشد و نمو و محفوظ ماندن از دشمن به مدینه فرستاد و حضرت در مدینه رشد و نمو نمود تا زمان شهادت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که به سامرا تشریف بردند و بر بدن مبارک پدر نماز خواندند و پس از آن از نظرها مخفی شدند.

۱. دیرزیستی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

۲. ﴿فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا﴾ (سوره عنکبوت، آیه ۱۴).

۳. ﴿وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا * بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ﴾ (سوره نساء، آیات ۸ و ۱۵۷).

در زمان غیبت صغری به لحاظ ارتباط چهار نماینده خاص با حضرت، امکان این‌که بگوییم ایشان در عراق بودند زیاد است، ولی پس از غیبت صغری مسکن و خانه حضرت مشخص نیست و کسی از آن اطلاع ندارد، شاید حضرت هر زمانی در مکانی مشخص اسکان داشته باشند و مکان خود را تغییر دهند، چرا که در مکان‌های زیادی حضرت زیارت شده‌اند.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «کسی بر محل سکونت امام زمان آگاهی نمی‌یابد»^۱.

بله در بعضی از زمان‌ها مشخص می‌شود که حضرت در چه سرزمینی قرار دارند، مثلاً در ایام حج یقیناً در سرزمین حجاز است و در روز عرفه یقیناً در سرزمین عرفات است. اما در سایر زمان‌ها معلوم نیست حضرت در کجا بسر می‌برد ولی یقیناً به لحاظ این‌که انسانی هستند مانند سایر انسان‌ها، نیاز به غذا، مسکن، و خواب دارند، این موارد برای ایشان توسط پنجاه نفر از اوتاد که همواره با ایشان هستند و به عنوان خدمتکار در رکاب ایشان بسر می‌برند فراهم می‌گردد. و این‌که برخی گفته‌اند: حضرت در جزیره خضرا یا مثلث برمودا هستند، افسانه‌ای بیش نیست.

پاسخ پرسش پنجم (مدت حکومت و زمامداری)

پس از آن‌که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور کردند، چند سال حکومت‌داری خواهند کرد؟

جواب: ظهور حضرت مساوی است با تشکیل یک حکومت اسلامی جهانی که بر اساس عدالت اجتماعی و امنیت فراگیر خواهد بود. در حکومت اسلامی امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هیچ کس در دادگاه‌ها نمی‌تواند دروغ بگوید و شهادت به ناحق بدهد، چرا که امام از علم غیب خود استفاده می‌کند. مسیحیان و یهودیان به امام ایمان می‌آورند، زیرا حضرت عیسی علیه السلام و حضرت خضر علیه السلام در نماز به حضرت اقتدا می‌کنند و این حکومت تا قیامت پایدار خواهد بود و نابود نخواهد شد. اما اینکه حضرت چند سال در رأس این دولت است، خبر دقیقی وجود ندارد. از برخی روایات استفاده می‌شود: «مدت حکومت حضرت ۳۰۹ سال خواهد بود».^۱

و همچنین خبر دقیقی وجود ندارد که مشخص نماید آیا حضرت به مرگ طبیعی از دار دنیا می‌روند، یا این‌که به شهادت می‌رسند و بر فرض شهادت، چه کسی ایشان را

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱.

شهادت می‌کند؟ مگر نه این است که دنیا را عدل و داد فرا گرفته است؟ در جواب می‌گوییم: آری جهان را یک امام عادل رهبری می‌کند، ولی کسانی که دارای طینت زشتی هستند، نمی‌توانند به خوبی‌ها روی آورند و همیشه دنبال پیروی از شیطان هستند. چه بسا یکی از همین افراد دست به جنایت بزند و حضرت را ترور و شهید نماید.

پاسخ پرسش ششم (آیین و شریعت جدید)

آیا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پس از ظهور، آیین و شریعت جدیدی خواهد آورد؟

جواب: از مسلمات و ضروریات مکتب اسلام این است که آنچه پیامبر اعظم به عنوان شریعت برای هدایت بشر از جانب خدا آورد، کامل‌ترین شریعت است و تا روز قیامت پایدار خواهد بود، چرا که: «حَلَالٌ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَحَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ یعنی: حلال و حرام محمد تا روز قیامت پایدار خواهد بود»^۱ و این که در بعضی از روایات آمده است که: «امام زمان هنگام ظهور امر جدیدی خواهد آورد، همان‌گونه که پیامبر در آغاز اسلام امر

جدید آورد». ^۱ شاید به این معنا باشد که بسیاری از مجهولات دینی را حضرت آشکار و معلوم می‌نماید. امروزه علل و فلسفه بسیاری از احکام و شرایع و نیز تفسیر بسیاری از آیات کاملاً روشن نیست. و او خواهد آمد و مانند اجدادش فریاد برخواهد آورد که «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَقْدُونِي؛ یعنی: برسید از من قبل از آن که مرا از دست دهید». ^۲ و با پاسخ به پرسش‌ها و شبهات و توضیح و تفسیر و تأویل آیات و کلام پیامبر دریچه‌ای کاملاً نو و جدید را به روی دنیای اسلام باز خواهد نمود. اصولاً راز انتظار همین است و مشتاقان حضور حضرت به دنبال این مسئله هستند که او بیاید تا از سرچشمه زلال معرفت او شاید جرعه‌ای نصیبشان گردد.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

۲. همان، ص ۲۷۲.

پرسش و پاسخ

۱. راز طول عمر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چگونه توجیه می‌شود؟
۲. حکومت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چند سال طول می‌کشد؟
۳. محل سکونت آن حضرت کجاست؟

درس هشتم

پاسخ به پرسش‌ها پیرامون

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

آنچه در این درس می‌خوانیم:

۱. آیا برای ظهور نشانه‌هایی وجود دارد؟
۲. چگونه حضرت را بشناسیم؟
۳. اسرار نام‌های حضرت چیست؟
۴. ویژگی یاران حضرت کدام است؟
۵. کار فعلی حضرت چیست؟

درس هشتم

پاسخ به پرسش‌ها پیرامون حضرت مهدی علیه السلام

پاسخ پرسش هفتم (نشانه‌های ظهور)

آیا برای ظهور حضرت نشانه‌هایی وجود دارد؟

جواب: یکی از اسرار، زمان ظهور حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که خود حضرت هم نمی‌داند تاریخ دقیق آن چه زمانی است. لذا از شیعیان‌شان خواسته‌اند برای تعجیل ظهور دعا نمایند. و البته علم به زمان ظهور مختص خداست و خصوصاً دستور اکید از اهل بیت علیهم السلام داریم: «هر کس زمان ظهور را تعیین کرد، او را دروغگو بخوانید».^۱ ولی در بعضی از روایات اشاره‌هایی به برخی از نشانه‌ها و علامات ظهور شده است که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱. خروج و قیام سفیانی؛ این شخص آدمی ظالم و خون

ریز می‌باشد و قبل از ظهور آن حضرت فساد چشمگیری در جهان بر پا می‌کند.^۱

۲. کشته شدن نفس زکیه؛ جوانی از آل محمد علیهم‌السلام به نام محمد بن حسن که معروف به نفس زکیه است، در مسجد الحرام بین رکن حجر الاسود و مقام ابراهیم کشته می‌شود.^۲

۳. اعلام حضرت جبرئیل علیه‌السلام؛ امام باقر علیه‌السلام فرمودند: منادی از آسمان به نام حضرت قائم فریاد می‌زند که به گوش تمام اهل مشرق و مغرب عالم خواهد رسید، به گونه‌ای که هیچ انسان خفته‌ای در خواب نمی‌ماند و هیچ ایستاده‌ای نمی‌باشد، مگر آن که خواهد نشست و هیچ نشسته‌ای نخواهد بود، مگر آن که از وحشت آن صدا بپا خواهد شد.^۳

۴. فرورفتگی در بیداء؛ امام صادق علیه‌السلام چهارمین علامت حتمی را خُسْف، یعنی فرورفتن در محلی بین مکه و مدینه به نام بیداء دانسته که سپاه سفیانی در این سرزمین فرو خواهد رفت.^۴

البته اینها نشانه‌های حتمی و علاماتی هستند که در

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۹.

۲. همان، ص ۱۹۲.

۳. همان، ص ۲۳۰.

۴. همان، ص ۲۹۴.

روایات به آنها اشاره شده است که نیاز به تفسیر و توضیح دارد. ولی ممکن است اگر اراده خدا تعلق گیرد بدون اتفاق افتادن هیچ کدام از اینها، ظهور محقق گردد.

پاسخ پرسش هشتم (شناسایی امام عصر علیه السلام)

چگونه امام زمان را شناسایی کنیم و بفهمیم مدعی مهدویت واقعی است؟

جواب: مدعیان دروغگوی زیادی تاکنون ادعا کرده‌اند که مهدی موعودی که پیامبر به آن نوید داده است ما هستیم. و عده‌ای نادان بدون مطالعه و تحقیق دور آنها را گرفته و جار و جنجالی پیاپی کرده‌اند. حتی در زمان ائمه علیهم السلام بعضی از یاران ائمه به آنها عرض می‌کردند که شما مهدی موعود هستید؟ و آنان در پاسخ نشانه‌هایی را بر می‌شمردند که تنها در یک فرد استثنایی وجود دارد و آن هم امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

کسانی که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را دیده‌اند افراد خاصی هستند، مثل نواب اربعه و تعدادی انگشت شمار، و بسیاری هم که خدمت حضرت رسیده‌اند ایشان را شناختند و بعد متوجه شده‌اند که به حضور پذیرفته شده‌اند. بنابراین در زمان غیبت کسی نمی‌تواند ادعا کند که به محضر حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شرفیاب

می‌شود و با او سر و سری دارد. اگر کسی چنین ادعایی کرد، باید او را در زمره دروغگویان شمرد.^۱

اما در زمان ظهور راه شناسایی آن حضرت عبارت است از:

۱. حضرت پشت به دیوار کعبه می‌کند در میان رکن حجر الاسود و مقام ابراهیم و فرشته‌ای در عالم، ظهور ایشان را اعلام می‌نماید.^۲

۲. سیصد و سیزده تن از بهترین انسان‌های عالم با حضرت بیعت می‌کنند و به عنوان یاوران خاص در خدمت ایشان حاضر می‌شوند.^۳

۳. حضرت عیسی علیه السلام در زمره یاران ایشان خواهد بود.^۴

۴. عمامه و پیراهن پیامبر صلی الله علیه و آله را بر تن دارد.^۵

۱. امام زمان علیه السلام در بخشی از نامه‌ای که به آخرین نایب خود نگاشتند، چنین فرمودند: وَ سَيَأْتِي مِنْ شِيعَتِي مَنْ يَدَّعِي الْمُشَاهِدَةَ أَلَا قَمَنْ ادَّعَى الْمُشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ؛ یعنی: به زودی برخی از شیعیان من ادعای مشاهده مرا می‌نمایند. آگاه باشید هر که پیش از خروج سفیانی و اعلام منادی ظهور، ادعای مشاهده نماید، دروغگو و افترا زننده است. (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱).

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

۳. همان، ص ۳۲۶.

۴. همان، ص ۲۷۹.

۵. همان، ص ۲۴۲.



۵. سلاح پیامبر ص را به همراه دارد.^۱
۶. أبهت و وقار فوق العادة او همگان را متحیر می‌کند.^۲
۷. عالم به حلال و حرام الهی است.^۳
۸. در حالی که تمام مردم به او نیازمند هستند، او از مردم بی‌نیاز است.^۴
۹. در هنگام ظهور جوانی است با نمود چهل سالگی و بسیار خوش سیما و نیکو.^۵
۱۰. در جود و سخاوت مظهر جود و سخاوت خداوند است.^۶

پاسخ پرسش نهم (أسرار نام‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه)

چرا نام اصلی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به کار نمی‌بریم و چرا با بردن نام قائم بپا می‌خیزیم؟
 جواب: می‌دانیم که نام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) محمد است و مهدی لقب اوست، یعنی هدایت

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۲.

۲. معجم الاحادیث المهدی.

۳. همان.

۴. همان.

۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۹.

۶. معجم الاحادیث المهدی.

شده. ولی در برخی روایات، شیعیان منع شده‌اند که حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را محمد بخوانند و یا حتی بنویسند. از این رو وقتی می‌خواستند نام او را ثبت کنند، چنین می‌نگاشتند م ح م د. شاید دلیل و علت این مسئله، وجود دروغ‌گویانی بوده است به نام محمد که عده‌ای را دور خود جمع می‌کردند و بساطی راه می‌انداختند، بدین جهت این منع مقطعی است و مربوط به زمان خاصی بوده است. البته امروزه لقب مهم حضرت که همان مهدی باشد، شهرت فراوانی پیدا کرده و ایشان به این نام مشهور است.

یکی دیگر از القاب حضرت، قائم است؛ یعنی: قیام‌کننده و مشهور است که می‌گویند: قائم آل محمد علیهم‌السلام و امروزه سیره و شیوه پسندهای در میان شیعیان وجود دارد که با شنیدن این نام بر می‌خیزند و دست خود را روی سر می‌گذارند که بدون تردید این سیره را از معصومین گرفته‌اند. روزی در مجلس امام صادق علیه‌السلام نام مبارک حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برده شد و امام صادق به جهت تعظیم و احترام از جای برخاست. همچنین وقتی دعبل، آن شاعر فرزانه، در مجلس امام رضا علیه‌السلام از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با لفظ قائم یاد کرد، امام هشتم از جای برخاست و دو دست مبارکش را روی سر خود نهاد

و فرمود: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ»^۱.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: چرا هنگام شنیدن نام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از جای خود برمی‌خیزیم؟ حضرت فرمود: «چون غیبت مهدی طولانی است، از شدت محبتی که به دوستان خود دارد، هر زمانی که شخصی او را یاد کند، نگاهی به او می‌نماید، و سزاوار است که یاد کننده به جهت احترام و تعظیم از جای خود برخیزد. هنگامی که مولای خویش او را به نظر مهر و عطف نگاه می‌کند، پس از جای خود برخیزد و از خدای تبارک و تعالی تعجیل فرج او را بخواهد»^۲.

همان‌گونه که ملاحظه نمودید پیاختن مخصوص لفظ قائم نیست، بلکه هر وقت نام حضرت برده می‌شود، سزاوار است شیعه عاشق برخیزد و ادای احترام کند، ولی امروزه شیوه و سیرت این شده که با ذکر لفظ قائم بر می‌خیزیم و ادای احترام می‌کنیم.

پاسخ پرسش دهم (ویژگی یاران حضرت مهدی علیه السلام)

تعداد یاوران حضرت چه قدر است و ایشان چه

۱. منتخب الاثر، ص ۵۰۵.

۲. همان.

ویژگی‌هایی دارند؟

جواب: تعداد یاوران خاص و به اصطلاح کارگزاران عالی رتبه و هیئت دولت، بنا به نقل مشهور، سیصد و سیزده تن می‌باشند که پنجاه نفر از آنها را بانوان تشکیل می‌دهند. در بعضی از روایات تعداد یاوران ده هزار نفر هم نقل شده است. البته این تعداد یاوران خاص هستند، چرا که تمامی عاشقان و منتظران در سرتاسر گیتی جزو یاوران حضرت خواهند بود. حتی کسانی که دعای عهد خوانده‌اند از قبر بیرون خواهند آمد و در رکاب حضرت افتخار خدمتگزاری پیدا می‌کنند. و چون حضرت مسیح علیه السلام در زمرة یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، اکثر مسیحیان پاک سرشت، مسلمان شده و با حضرت بیعت می‌نمایند. در توصیف یاوران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنین می‌خوانیم:

۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «رُهْبَانُ بِاللَّيْلِ، لُيُوثُ بِالنَّهَارِ

كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ؛

یعنی: یاوران حضرت مهدی علیه السلام راهبان شب و شیران

روز هستند، دل‌هایشان مانند پاره‌های آهن محکم و قوی است»^۱.



۲. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «كُلُّهُمْ لِيُوثُ قَدْ خَرَجُوا مِنْ غَابَاتِهِمْ مِثْلَ زُبْرِ الْحَدِيدِ لَوْ أَنَّهُمْ هَمُّوا بِإِزَالَةِ الْجِبَالِ الرَّوَاسِيَ لَأَزَالُوهَا عَنْ مَوَاضِعِهَا؛

یعنی: همگی آنان شیرهای ژبانی هستند که از مکان‌های خود خارج شده‌اند، محکم و قوی، مانند پاره‌های آهن، اینان اگر اراده کنند که کوه‌های بسیار بلند را از جای برکنند، قطعاً خواهند توانست»^۱.

۳. همچنین فرمودند: «أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ شَبَابٌ لَا كُهُولَ فِيهِمْ إِلَّا مِثْلَ كُخْلِ الْعَيْنِ وَالْمِلْحِ فِي الزَّادِ وَ أَقْلُ الزَّادِ الْمِلْحُ؛

یعنی: یاران مهدی همه جوانان هستند و پیرمردی در میان آنها نیست، مگر اندکی همچون سرمه چشم و نمک در توشه راه و کم‌ترین چیز در توشه راه نمک است»^۲.

۴. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «يُعْطَى كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا؛

یعنی: به هر مردی از آنان (یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) قوت و نیروی چهل مرد داده می‌شود»^۳.

۵. همچنین آن حضرت می‌فرمایند:

«یاران مهدی مردان پولادین هستند و همه وجودشان

۱. الزام الناصب، ص ۱۹۹.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳.

۳. همان، ص ۳۷۲.

یقین به خداست. مردانی محکم‌تر از سنگ که اگر به کوه‌ها حمله کنند، آنها را از جای بر کنند، با پرچم پیروزگر خود به هر کشوری روی آورند، آن‌جا را فتح خواهند نمود، اینان همانند عقابان تیز و تند که بر مرکب‌های خود نشسته‌اند در اطراف امام از وجودش بهره و فیض و برکت می‌گیرند و جان خود را فدای حضرت می‌نمایند.

اینان اهل نماز شب هستند و زمزمه مناجاتشان مانند نغمه‌های زنبور عسل فضا را می‌پوشاند. شب‌ها اهل عبادت و روزها آماده نشر فرهنگ امام مهدی هستند.

یاوران حضرت مهدی، مانند شعله‌های فروزان، ظلمت کده دنیا را نورانی می‌کنند و دل‌های تابناکشان مانند چلچراغ نورافشانی می‌کند. اینان فقط از خدا می‌ترسند و زبانشان به شهادت به رسالت و امامت گویاست. همواره آرزوی شهادت دارند و شعارشان «يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ» است؛ یعنی: «خوانخواهان امام حسین علیه السلام کجایید؟»^۱

۶. از حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرمودند: «اصحاب کهف از یاران حضرت مهدی می‌باشند و جزو وزرای عالی مرتبه حضرت به شمار می‌آیند».^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۸۵.

از موارد فوق استفاده می‌شود که یاران نزدیک حضرت که جزو کارگزاران ایشان به شمار می‌آیند، افرادی مؤمن، محکم و راسخ، مانند اصحاب کهف و حضرت عیسی و حضرت خضر هستند.

پاسخ پرسش یازدهم (کار فعلی حضرت چیست؟)

هم اکنون که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در غیبت بسر می‌برند، مشغول چه کاری هستند و آیا مردم از وجود ایشان بهره‌مند می‌شوند؟

پاسخ: می‌دانیم حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) انسانی است مانند سایر انسان‌ها که نیازهای شخصی و فردی دارد، یعنی نیاز به تغذیه و استراحت دارد و از طرفی ولی خدا و انسان کامل است که باید به فرایض دینی و شرعی از واجبات و مستحبات عمل نماید و همچنین حافظ قرآن و سنت و شریعت است و اجازه نمی‌دهد که دین اسلام به انحراف و انحطاط کشیده شود که این را از طریق نواب عامه خود، یعنی فقها انجام می‌دهد، چنانچه قبلاً اشاره شد به هر طریقی که صلاح بداند از طریق فقها شریعت اسلامی را حفظ و صیانت می‌کند. رفت و آمد حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در میان مردم

و حضور در محافل آنها برکتی بس والا دارد، چرا که خداوند به خاطر او به بندگانش عنایت می‌فرماید و روزی می‌دهد و چنانچه یک روز ایشان نباشد زمین دگرگون خواهد شد و آنچه را روی خود دارد خواهد بلعید. البته این حضور ممکن است به این نحو باشد که ایشان دیده شوند، ولی شناخته نشوند؛ چنانچه برادران حضرت یوسف علیه السلام خدمت ایشان رسیدند، ولی آن نبی خدا را نشناختند و ممکن است حضورشان قابل رؤیت نباشد.

به هر حال امروزه فریادرس مظلومان در جهان کسی جز حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیست و هر کس واقعاً مضطر شود و به ایشان متوسل شود و با کنیه «یا اباصالح المهدی» ایشان را بخواند، مورد عنایت حضرت واقع می‌شود. پس همان‌گونه که زمین و مردم از خورشید پشت ابر بهره‌مند می‌شوند، از وجود امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز بهره‌مند خواهند بود.

پرسش و پاسخ

۱. نشانه‌های حتمی ظهور کدام است؟
۲. امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چگونه شناخته می‌شود؟
۳. ویژگی یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چیست؟

درس نهم

مهدویت از نگاه اهل سنت

آنچه در این درس می‌خوانیم:

۱. برخی از اندیشمندان اهل سنت که تصریح به وجود مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نموده‌اند.
۲. بررسی روایات اهل سنت درباره مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۳. شناخت مقام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در روایات اهل سنت.

مهدویت از نگاه اهل سنت

اعتقاد به مهدویت مخصوص شیعه نیست، بلکه اهل سنت نیز اعتقاد به مهدی موعود دارند. شخصیت‌های علمی بزرگی از آنان تصریح کرده‌اند که مهدی موعودی که پیامبر ﷺ فرموده جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد، به دنیا آمده و از نسل امام حسین علیه السلام و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام می‌باشد که در این درس به نام برخی از دانشمندان و اعترافاتی که در این زمینه دارند می‌پردازیم.

۱. ابن اثیر جزری که در سال ۶۳۰ هجری قمری از دنیا رفته است، در کتاب مهم خود به نام الکامل فی التاریخ می‌گوید: در سال ۲۶۰ هجری قمری حوادث مهمی اتفاق افتاد که یکی از آن اتفاقات رحلت امام حسن عسکری علیه السلام بود که به اعتقاد شیعه، او یکی از دوازده امام است و او پدر محمد است که شیعه اعتقاد دارد مهدی منتظر است.^۱



۲. ابن خَلْكَان که در سال ۶۸۱ هـ ق از دنیا رفته است، در کتاب وفیات الاعیان می‌گوید: ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری فرزند علی الهادی فرزند محمد الجواد، دوازدهمین امام، بنا بر اعتقاد شیعه است، او روز جمعه پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هـ ق به دنیا آمده است.^۱

۳. الذَّهَبِي که در سال ۷۴۸ هـ ق از دنیا رفته، در کتاب العِبْر می‌گوید: در سال ۲۵۶ هـ ق محمد بن الحسن بن علی الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق العلوی الحسینی ابوالقاسم به دنیا آمد. او کسی است که شیعیان او را خلف حجت می‌نامند و لقب او را مهدی و منتظر و صاحب الزمان می‌دانند و او آخرین امام شیعه است.^۲ وی در دو کتاب دیگرش یعنی تاریخ دول الاسلام و سیر اعلام النبلاء نیز تصریح به ولادت حضرت مهدی دارد.^۳

۴. ابن الوردی که در سال ۷۴۹ هـ ق از دنیا رفته، در کتاب تاریخ خود که به نام تاریخ ابن الوردی معروف است، می‌گوید: حضرت محمد بن الحسن در سال ۲۵۵ هـ ق به دنیا آمد.^۴

۱. وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۶.

۲. العبر فی خبر من غیره، ج ۳، ص ۳۱.

۳. محمد بن احمد بن عثمان ذهبی - سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۱۱۹.

۴. فی تاریخ ابن الوردی: «وُلِدَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْخَالِصِ سَنَةَ خَمْسٍ وَخَمْسِينَ مِائَتِينَ». نورالابصار، ص ۱۶۸.

۵. احمد بن حجر الهیثمی که در سال ۹۷۴ هـ ق از دنیا رفته، در کتاب الصواعق المحرقة می گوید: حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در تاریخ ۲۳۲ به دنیا آمد و در شهر سامرا رحلت نمود و کنار پدرش به خاک سپرده شد و سن مبارکش هنگام رحلت ۲۸ سال بود و می گویند: او را مسموم نموده اند و یادگاری جز حضرت أبو القاسم محمد الحجه نداشت که در هنگام فوت پدر پنج ساله بود، ولی خداوند به او حکمت مرحمت فرمود و قائم منتظر نامیده می شود.^۱

۶، ۷ و ۸. شبراوی شافعی و عبدالؤمن بن حسن الشبلینجی و خیرالدین الزرکلی و غیر اینها عدّه بسیاری اعتراف به ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نموده اند.

خلاصه اکثر قریب به اتفاق علما و محدثین و مورّخین اهل سنت، قائل به ولادت حجّت ابن الحسن علیه السلام هستند. حمد فتلاوی در این زمینه می نویسد: جمع زیادی از علمای اهل سنت که تعدادشان به ۱۳۰ نفر می رسد، ولادت حجّت بن الحسن را، در سال ۲۵۵ هجری قمری به عنوان فرزند حسن عسکری و از نسل حسین بن علی گفته اند. وی

۱. الصواعق المحرقة، ج ۳۱۳، از احمد بن حجر هیثمی، چاپ قاهره،

همچنین ۲۶ نفر را نام می‌برد که معترف به ولادت حضرت
در نیمه شعبان هستند.^۱

بررسی روایات کتب اهل سنت درباره حضرت مهدی علیه السلام
وقتی به روایاتی که در کتب اهل سنت است مراجعه می‌کنیم،
روایات فراوانی را می‌بینیم که درباره حضرت مهدی (عجل الله
تعالی فرجه الشریف) نقل شده که به نکات مهمی اشاره دارد. به
برخی از آن نکات اشاره می‌کنیم.

۱. حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله است

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

«الْمَهْدِيُّ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ يُصْلِحُهُ اللهُ فِي لَيْلَةٍ؛

یعنی: مهدی از ما اهل بیت است که خداوند امر قیام او را
یک شبه آماده می‌کند». این روایت در جلد ۱، صفحه ۸۴ از
کتاب مسند احمد که یکی از کتب مهم اهل سنت می‌باشد
نقل شده است.

در حدیث دیگری از ابن عمر می‌گوید:

«قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي

إِسْمُهُ إِسْمِي، وَكُنْيَتُهُ كَكُنْيَتِي، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا

۱. «الْمَهْدِيُّ الْمُنْتَظَرُ مِنْ وُلْدِ الْإِمَامِ الْحَسَنِ أَمِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ». حمد فتلاوی.

قَدْ لِكَ هُوَ الْمَهْدِيُّ؛

یعنی: در آخر الزمان مردی که نامش نام من و کنیه او کنیه من است قیام خواهد کرد، زمین را آکنده از عدل و داد خواهد نمود، همان گونه که مملو از ظلم و ستم بود و اوست مهدی».

این روایت در کتب تذکرة الخواص، عقد الدرر و منهاج السنه ابن تیمیه جلد ۴، صفحه ۸۶ نقل شده است.

۲. حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام است

در کتاب مستدرک حاکم نیشابوری، جلد ۴، صفحه ۵۵۷ نقل شده که امّ سلمه همسر پیامبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل کرده که حضرت فرمودند:

«الْمَهْدِيُّ حَقٌّ وَ هُوَ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ؛

یعنی: مهدی علیه السلام یک حقیقت است و او از فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام است».

۳. حضرت مهدی علیه السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام است

در کتاب فرائد السمطين جلد ۲، صفحه ۳۲۵ و در کتاب سیره حلبی جلد ۱، صفحه ۱۹۳ و در کتاب ینابیع الموده، جلد ۳، صفحه ۶۳ از حدیفة یمانیه که از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله

است، نقل کرده‌اند که می‌گوید: روزی پیامبر برای ما سخنرانی فرمودند و از آینده خبرهایی نقل کردند و آن‌گاه فرمودند:

«لَوْ لَمْ يَبْقِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ فِيهِ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي إِسْمُهُ إِسْمِي. فَقَالَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ أَيِّ وُلْدِكَ؟ قَالَ مِنْ وُلْدِي هَذَا وَضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى الْحُسَيْنِ عليه السلام؛

یعنی: اگر از عمر دنیا چیزی باقی نمانده باشد، مگر یک روز، خداوند آن روز را آن قدر طولانی خواهد کرد تا مردی را که از فرزندان من و همنام من است مبعوث نماید. سلمان فارسی عرض کرد: از کدام فرزندانان؟ فرمود: از این پسر من و دست خود را روی شانه امام حسین عليه السلام قرار داد.»

۴. حضرت مهدی عليه السلام از فرزندان امام رضا عليه السلام است

در صفحه ۴۴۸ کتاب ینابیع الموده، تألیف حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، متولد ۱۲۹۴ از حسن بن خالد نقل شده که حضرت علی بن موسی عليه السلام فرمودند:

«لَا دِينَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ أَيْ أَعْمَلَكُمْ بِالتَّقْوَى ثُمَّ قَالَ إِنَّ الرَّابِعَ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْأَمَاءِ يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَظُلْمٍ؛

یعنی: چهارمین فرزند من از بهترین زنان دنیا متولد می‌گردد و خداوند به وسیله او زمین را از آلودگی ظلم و ستم پاکیزه می‌کند».

۵. حضرت مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است

محمی الدین ابن عربی در کتاب مهم فتوحات مکیه، باب ۳۶۴ می‌گوید:

«بدانید که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود و او از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است و از فرزندان فاطمه علیها السلام، جدش حسین بن علی علیه السلام و پدرش امام حسن عسکری علیه السلام فرزند امام علی علیه السلام فرزند امام محمد علیه السلام فرزند امام علی علیه السلام بن موسی علیه السلام فرزند امام موسی علیه السلام فرزند امام جعفر صادق علیه السلام فرزند امام محمد باقر علیه السلام فرزند امام زین العابدین علیه السلام فرزند امام حسین بن علی علیه السلام فرزند علی بن ابی طالب علیه السلام است، نامش نام پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد. مسلمانان بین رکن حجر الاسود و مقام ابراهیم با او بیعت خواهند کرد، در اخلاق و خلقت شبیه پیامبر است. او در زمان دولتش ثروت‌ها را بالسویّه بین مردم تقسیم می‌کند و با عدل و انصاف میان مردم رفتار می‌نماید و در کنارش خضر

پیامبر ﷺ قرار دارد»^۱.

مقام حضرت مهدی ﷺ در روایات اهل سنت:

۱. آنس بن مالک می‌گوید: از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌فرمود:

«نَحْنُ وَوَلَدُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ، أَنَا وَحَمْزَةُ وَعَلِيُّ
وَجَعْفَرُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْمَهْدِيُّ؛

یعنی: ما فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشتیم؛ من

و حمزه و علی و جعفر و حسن و حسین و مهدی»^۲.

۲. از ابن عباس نقل شده که می‌گوید: پیامبر ﷺ فرمود:

«الْمَهْدِيُّ طَاوُوسُ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛

یعنی: مهدی طاووس اهل بهشت است»^۳.

۳. از عبدالله بن عمر نقل شده که می‌گوید: پیامبر ﷺ

فرمود:

«يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ وَعَلَى رَأْسِهِ مَلَكٌ يُنَادِي: إِنَّ هَذَا الْمَهْدِيُّ

فَاتَّبِعُوهُ؛

یعنی: حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) ظهور

می‌کند در حالی که فرشته‌ای بالای سر وی ندا می‌دهد:

۱. بنا به نظر بعضی از محققین محی الدین ابن عربی شیعه می‌باشد و مطالبی

که از اهل سنت در کتب او یافت می‌شود از باب تقیه بوده است.

۲. مستدرک الحاکم، ج ۳، ص ۲۱۱.

۳. منابع الموده، ص ۱۸۱، باب ۵۶.

بدانید که این مهدی است؛ از او پیروی کنید»^۱.

۴. از حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرمودند: «روزی به پیامبر عرض کردم: آیا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نسل ماست و یا از غیر ما؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از خانواده ما است». و آن‌گاه فرمودند:

«بِنَا يَخْتِمُ الدِّينُ. كَمَا بِنَا فَتَحَ وَبِنَا يَسْتَنْقِذُونَ مِنْ ضَلَالَةٍ
الْفِتْنَةِ كَمَا اسْتَنْقِذُوا مِنْ ضَلَالَةِ الشُّرْكِ وَبِنَا يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ
فِي الدِّينِ بَعْدَ عَدَاوَةِ الْفِتْنَةِ كَمَا أَلَّفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَدِينِهِ بَعْدَ
عَدَاوَةِ الشُّرْكِ؛

یعنی: خداوند آیین خود را همچنان که به وسیله ما آغاز نمود، به وسیله ما نیز پایان خواهد برد و به وسیله ما مردم از گمراهی فتنه نجات می‌یابند، همان‌گونه که از گمراهی شرک نجات پیدا کردند و به وسیله ما خداوند قلوب مردم را بر اساس دین به یکدیگر گره می‌زند، بعد از این‌که آن دل‌ها آکنده از فتنه و آشوب شود، همچنان‌که خداوند قلوب مردم را بر اساس دین به یکدیگر گره زد، پس از آن‌که آن دل‌ها آکنده از دشمنی شرک بود»^۲.

۱. ینابیع الموده، ص ۱۸۱، باب ۵۶.

۲. عقد الدرر، ص ۱۹۲، باب ۷.



۵. ابن ابی شیبہ کوفی که استاد بخاری است، در کتاب المصنف، صفحه ۱۹۸ از ابن سیرین نقل می‌کند که می‌گوید: «الْمَهْدِيُّ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَهُوَ الَّذِي يَوْمُ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ؛ یعنی: مهدی از این امت است و او کسی است که حضرت عیسی بن مریم علیه السلام به او در نماز اقتدا می‌کند».

۶. از ابوسعید خدری نقل است که پیامبر فرمودند: «تَنْعَمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا قَطُّ، تَرْسُلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا، وَلَا تَدَعُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنَ النَّبَاتِ إِلَّا أَخْرَجَتْهُ وَالْمَالُ كَدُوسٌ، يَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ يَا مَهْدِيُّ أَعْطِنِي فَيَقُولُ خُذْ؛

یعنی: امت من در دولت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنان متنعم به نعمت‌ها می‌شوند که بی سابقه بوده است. آسمان باران خود را بر آنها می‌بارد و زمین گیاه خود را می‌رویاند و اموال فراوان است. مردم خدمت حضرت می‌رسند و تقاضای کمک می‌کنند و حضرت بلافاصله می‌گوید: بگیر»^۱.

۷. از حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرمودند: «حضرت مهدی به پرندگان اشاره می‌کند و آنها رام شده، روی دستش می‌نشینند و هر درخت یا گیاهی را در زمین

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲.

بکارِ سبز شده و شاخه و برگ آن رشد و نمو می‌کند»^۱.
 از آنچه بیان شد، معلوم گردید که حضرت مهدی (عجل الله
 تعالی فرجه الشریف) به دنیا آمده است و هم اکنون حضور دارد
 و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است و دارای مقامی بس
 والا می‌باشد.

گرچه در میان اهل سنت کسانی وجود دارند که مدعی
 هستند که حضرت به دنیا نیامده و یا بعضی دیگر که نادان
 هستند از این حقیقت آشکار به پدیده موهوم تعبیر کرده‌اند،
 ولی اهل سنت چنانچه بدون تعصب به کتب و روایات خود
 مراجعه کنند، خواهند دید آنچه در روایات و کتب شیعه
 وجود دارد، همان‌گونه در منابع آنها نیز وجود دارد. این
 واقعه غیر قابل انکار در تاریخ هم ثبت شده است، چنانچه
 بر دیوار حیاط مسجد النبی هم اکنون کلمه مُحَمَّدُ الْمَهْدِيْ به
 عنوان امام نوشته و ثبت شده است. حتی یوسف بن یحیی
 در کتاب عقد الدرر فی اخبار المنتظر می‌نویسد: «مَنْ كَذَّبَ
 الْمَهْدِيَّ فَقَدْ كَفَرَ؛ یعنی: کسی که مهدی را انکار کند کافر
 است».

پیش‌وپای

۱. نام سه نفر از علمای اهل سنت که تصریح به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نموده‌اند را بنویسید؟
۲. نام سه کتاب اهل سنت که تصریح به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کرده‌اند را بنویسید؟
۳. نظر محی الدین ابن عربی راجع به امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چیست؟

درس دهم

مدعیان دروغین مهدویت

آنچه در این درس می‌خوانیم:

۱. اسامی تعدادی از مدعیان دروغین مهدویت
۲. آشنایی با فرقه بابیت و بهائیت

مدعیان دروغین مهدویت

از زمانی که پیامبر اسلام ﷺ بشارت به ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دادند و فرمودند:

«أَبشِرُوا بِالمَهْدِيِّ قَالَهَا ثَلَاثًا يَخْرُجُ عَلَيَّ حِينَ اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلْزَالٍ شَدِيدٍ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتِ ظُلْمًا وَجورًا!»

یعنی: سه بار فرمودند: شما را مژده می‌دهم به مهدی، در روزگاری که مردم گرفتار اختلاف و کشمکش‌ها هستند و زلزله سختی پدید آید، او انقلاب می‌کند و زمین را همچنان که پر از فساد و ظلم شده، از عدل و داد آکنده می‌سازد.^۱

در رهگذر تاریخ عده زیادی با اغراض گوناگونی ادعا کرده‌اند که من مهدی موعود هستم، و مردم تشنه عدالت

گاهی گرد آنها را گرفته تا شاید از ظلم و ستم حکام ظالم رهایی یابند، ولی از آن جایی که پیامبر و ائمه علیهم‌السلام نشانه‌های وی را بیان کرده‌اند و قدرت او را مشخص نموده‌اند، مردم عاقل و فهمیده به سرعت ادعاهای دروغین این شیادان را درک کرده و آنها را طرد نموده‌اند. ولی متأسفانه شیطان که خود عامل و باعث به وجود آمدن این هیاهوها می‌باشد، به شدت تلاش کرده و حزب و دسته‌ای برای اینها تأسیس و تشکیل داده که تا امروز بعضی از این حزب‌ها فعال بوده و از احساسات پاک جوانان استفاده نموده و آنها را به نام مهدویت به دنبال شیاطین جنّ و انس می‌کشانند.

مرحوم مجلسی در کتاب ارزشمند بحارالانوار به ذکر اسامی تعدادی از مدعیان دروغین مهدویت می‌پردازد که عبارتند از:

۱. ابو محمد حسن، معروف به شریعی: بعد از زمان امام حسن عسکری علیه‌السلام ادعای مهدویت کرد.
۲. محمد بن نصیر النمری: پس از شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام ادعای مهدویت کرد.
۳. احمد بن هلال کرخی: در زمان غیبت صغری ادعای مهدویت کرد.
۴. ابوطاهر محمد بن علی: اموالی را از مردم به‌عنوان

وجوهات گرفت و مدعی شد آن اموال از امام است و او نایب و راه ارتباط با امام به شمار می‌رود.

۵. ابن ابی العزاقر

البته تمامی اینها از ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر (أرواحنا فداء) و در زمان غیبت صغری توسط نایب خاص حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جناب حسین بن روح نوبختی تکذیب شدند و دستور به لعن آنها داده شده است.
۶. عبیدالله المهدی: مؤسس دولت فاطمی در کشورهای مغرب که از مصر شروع می‌شد و به مغرب دور ختم می‌گردید.

۷. محمد بن عبدالله بن تومرت علوی حسنی: در اوائل قرن ششم دولتی عظیم در مراکش به وجود آورد.

۸. عباس فاطمی: در آخر سده هفتم ظاهر گردید و در مغرب دور ادعای مهدویت کرد.

۹. غلام احمد قادیانی در سال ۱۲۴۹ هـ ق در شهر پنجاب پاکستان متولد گردید و در همان جا ادعای مهدویت کرد.

۱۰. محمد بن احمد مهدی سودانی: در سودان ظهور کرد و ادعای مهدویت نمود.

از افراد یاد شده امروز نامی و رسمی وجود ندارد و همه

آنها و مکتب دروغینشان به ورطه فراموشی سپرده شده است. یکی از افرادی که در عصر اخیر ادعای مهدویت کرده و هم اکنون در گوشه و کنار دنیا خصوصاً در ایران پیروانی دارد، علی محمد باب است. این فرد با اغراض سیاسی دولت‌های بیگانه تحریک و روی نادانی و ناآگاهی با وجود عقده‌های درونی، چنین ادعای دروغی را بیان کرد و با حمایت بیگانگان جهت تفرقه و تشتت و ایجاد شکاف و اختلاف در مذهب شیعه، بلوایی به وجود آورد. امروزه چون تبلیغات این گروه فراوان است، لازم است درباره این فرقه به توضیح بیشتری پردازیم.

بابیت و بهائیت

یکی از ایده‌های استعمار خارجی همواره ایجاد تفرقه به وسیله تشکیل احزاب و سبک‌های مختلف و تقویت اقلیت‌هاست؛ برای آن‌که هر چه دامنه اختلاف زیادتر شود، از رؤسای آنها بهتر می‌شود نتیجه گرفت. برای استعمار و تسلط بر یک مملکتی و فتح آن، باید نخست اعتقادات مردم آن سرزمین را سست نمود، لذا در ایران گاهی دعوی شیعه و سنی را رواج می‌دادند و گاهی دعوی شیخی و شیخیه درست می‌کردند و سرانجام برای تسلط بر ایران

مسلک بایّت و بهائیت را راه انداختند. آنها میرزا علی محمد باب را تحریک کردند تا ادّعیای مهدویت کند و این فکر را که شیعیان منتظر مهدی موعود باشند، از سر مردم بیرون نمایند. یک فیلسوف آلمانی در سیاست الحسینیه می نویسد: از جمله اموری که عده‌ای از مسلمان‌ها را محکم نگاه داشته، قرآن است که هر وقت به قوانین محتاج باشند به وسیله علمای خود رفع نیاز می‌کنند. و دیگر تعزیه داری حسینی که هر سال آنها را به یاد می‌آورد که با اشرار و آدمخواران و زورگویان برای حفظ قانون مقاومت کنند. چنان‌که حسین بن علی علیه السلام بر علیه ظلم و جور حاکمان وقت قیام کرد تا دین زنده بماند. و دیگر ایمان به ظهور مهدی موعود است که در کمال فقر و پریشانی صبر می‌کنند و هر شبی را که می‌خواهند به این امید هستند که فردا امام زمان ظهور می‌کند و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد. این بود که باب را درست کردند. و بعضی دیگر به این باورند که در سال ۱۸۳۴ میلادی، یعنی حدود یکصد و هفتاد و شش سال پیش، جاسوس روسی به ایران آمد، او نقشه‌ای شیطانی و پلید برای اسلام و مسلمانان، خصوصاً شیعیان و شیعه به همراه آورده بود. این جاسوس روسی توانست نقش بزرگی در سیاست ایران آن روز بازی کند.

این شخص که نامش «کینیاژ دالگورکی» بود خود را شیخ علی لنکرانی نامید، به کربلا رفت و در درس سید کاظم رشتی که از رهبران فرقه شیخیه است حاضر می‌شد؛ در آنجا با فردی آشنا شد به نام میرزا علی محمد شیرازی که در او خصوصیات ویژه‌ای دید. و فکر کرد او بهترین کسی است که می‌تواند توسط او نقشه‌هایش را عملی کند.

جاسوس روسی توانست دوستی محکمی بین خود و علی محمد ایجاد کند و با او مجالس شب‌نشینی داشته باشد. یکی از شب‌ها در یک مجلسی این جاسوس روسی از فرصت استفاده کرد و با خضوع و ادب به او چنین گفت:

ای صاحب الزمان بر من رحم کن... تو قطعاً صاحب الزمانی.

جاسوس روسی فرصت‌ها را برای تلقین و القاء در وی غنیمت می‌شمرد و از وی سؤالات ساده‌ای می‌کرد و علی محمد نیز به وی پاسخ‌های کودکانه می‌داد و جاسوس نیز شگفتی خود را از این پاسخ‌ها آشکار می‌ساخت.^۱

سرانجام میرزا علی محمد شیرازی از شهر مقدس کربلا به بصره مسافرت کرد و از آنجا به بوشهر و در آنجا ادعا کرد که نایب خاص امام مهدی است و خود را به عنوان باب،

۱. بابی گری و بهایی گری، محمد محمدی اشتهاردی، فصل سوم.

یعنی در اتصال به حضرت حجّت نامید.

میرزا علی محمد با کمک مالی و تبلیغاتی جاسوس روسی از افراد جاهل و کم سواد، پیروانی را به گرد خود جمع کرد. از طرفی در همان زمان جاسوس روسی به عنوان سفیر کبیر روسیه در تهران منصوب شد و عامل مؤثری در گسترش تبلیغات میرزا علی محمد که معروف به باب شده بود، گردید و پیروان او را بابیه می گفتند.

میرزا علی محمد به کمک دو برادر به نام های حسینعلی و میرزا یحیی که توسط سفیر معرفی شده بودند، به گسترش افکار خود می پرداخت. او از بوشهر به سمت زادگاهش شیراز رفت و از هر جا می گذشت خود را نایب خاص حضرت مهدی معرفی می نمود و گاهی ادعا می کرد که خود او مهدی موعود است.

وقتی علی محمد شیرازی وارد شیراز شد، مجالسی بپا کرد و عده ای را دور خود جمع نمود. علمای شیراز در یک مجلسی با او بحث کردند و از او سؤالاتی نمودند که بسیار درمانده و شرمنده شد. در آن جا به ظاهر توبه کرد، ولی پس از آن دوباره بر مدّعی خود مُصر شد، لذا دوبار او را دستگیر و زندانی نمودند، تا اینکه ناصرالدین شاه قاجار با راهنمایی امیر کبیر به خاطر این که پیروان علی محمد در نقاط مختلف

کشور آشوب‌هایی بر پا کرده بودند و عده‌ای کشته و مجروح شده بودند، فرمان قتل او را صادر کرد.

از زمانی که او ادعای بابیت کرد، تا هنگامی که کشته شد، شش سال طول کشید.^۱

بعد از مرگ میرزا علی محمد دو برادری که همیشه او را کمک می‌کردند، با نظر سفیر روسیه، هر کدام مأموریت پیدا کردند مسیر غلط میرزا علی محمد شیرازی را ادامه دهند. لذا حسینعلی خود را بهاءالله (شکوه خدا) نامید و به ترکیه رفت و در آنجا به تبلیغ افکار غلط خود پرداخت و از آنجا به شهر عکا در فلسطین تبعید شد و در همانجا هم از دنیا رفت که امروزه پیروانش که خود را بهایی می‌نامند، شهر عکا را شهر مقدسی می‌دانند.

و میرزا یحیی نوری که خود را صبح ازل نامیده بود، به خاطر اختلاف و نزاع با برادرش، با اینکه میرزا علی محمد باب او را به عنوان جانشین خود معرفی کرده بود، به قبرس رفت و در آنجا مشغول تبلیغ و ترویج افکار غلط میرزا علی محمد شد.^۲

۱. ماجرای اعدام باب، کتاب الکواکب الدرّیه، به نقل از بابی‌گری و بهایی‌گری، محمد محمدی اشتهاردی، فصل سوم.

۲. بابی‌گری و بهایی‌گری، محمد محمدی اشتهاردی، فصل دوم.

خلاصه این حزب سیاسی که به لباس دین درآمده است، در برخی از کشورهای اسلامی و غربی منتشر گردید و بنابر نقل خودشان حدود هفت میلیون نفر امروز در جهان بهایی هستند و معابد بزرگ و مهمی هم در جهان دارند که یکی از بزرگ‌ترین معابدشان در دهلی نو قرار دارد. سالانه هزاران توریست از این مرکز که مکان زیبایی هم هست بازدید می‌کنند.

قبل از انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران، مرکز ترویج و تبلیغ بهائیت، کشور اسلامی ایران بود. بسیاری از سردمداران رژیم شاه بهائی بودند و بسیاری از سرمایه داران بزرگ کشور، از پیروان بهائیت به‌شمار می‌آمدند و متأسفانه بسیاری از جوانان و خانواده‌های ایران جذب این مسلک و آیین شده بودند. پس از انقلاب این فرقه جزو اقلیت‌های دینی به‌شمار نیامدند و فعالیت آنان ممنوع شد و بحمدالله این گروه که در مقابل امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صفی تشکیل داده بودند، رو به نیستی و اضمحلال پیش رفت.

پیش‌واپس

۱. نام بعضی از افرادی که خود را به عنوان امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) معرفی نموده‌اند ذکر کنید؟
۲. مهم‌ترین مدّعی مهدویت که امروزه نامی از او وجود دارد کیست؟
۳. کینیاژ دالگورکی کیست و چه نقشی در تأسیس بهائیت داشت؟

درس یازدهم

نقد و بررسی افکار و عقاید
باییت و بهائیت

آنچه در این درس می‌خوانیم:

۱. دیدگاه باییت و بهائیت راجع به دین اسلام و خاتمیت و

مهدویت

۲. ایدئولوژی و عقاید بهائیت

۳. چند سؤال از بهائی‌ها

نقد و بررسی افکار و عقاید باییت و بهائیت

با صرف نظر از چگونگی تشکیل این فرقه، با بررسی نظرات و عقایدشان، حق و حقیقت برای اهلش آشکار و روشن می‌گردد. نخست باید دید امروزه دیدگاه بهائیت با توجه به این که دیگر از باییت سخنی به میان نیست، راجع به دین اسلام و خاتمیت و مهدویت چیست؟ و اساساً آنها بر چه چیزهایی اصرار دارند؟

۱. بنیان‌گذار فرقه باییه میرزا علی محمد شیرازی است. که در سال ۱۲۳۵ هجری قمری در شیراز متولد شد، او چون در ابتدا مدعی باب بودن (دروازه ارتباط) با امام زمان علیه السلام بود، مُلقَّب به باب شد و پیروانش «باییه» نامیده شدند. او از ابتدا با شیخیه آشنا شد و از این طریق راهی به مسائل عرفانی و تفسیر آیات و احادیث یافت.

پس از مرگ سید کاظم رشتی که شاگرد ممتاز شیخ احمد

أحسائی (رهبر شیخیّه) بود، مریدان او به دنبال جانشینی بودند. میرزا علی محمد در این موقعیت خود را باب امام دوازدهم معرفی کرد و برخی از پیروان سید کاظم رشتی هم از او تبعیت کردند. بنا به گفته بهائیان میرزا علی محمد باب در ۲۳ ماه می ۱۸۴۴ میلادی در شهر شیراز اعلان کرد پیغمبر الهی که همه جهان در انتظارش هستند ظاهر خواهد شد، لذا او مُبشّر بهاءالله بود. وی در سال ۱۲۶۶ هجری قمری در تبریز کشته شد.^۱

۲. بنیان‌گذار فرقه بهائیت میرزا حسینعلی نوری، معروف به بهاءالله است. او از پیروان و مبلغان باب بود و پس از مرگ باب در سال ۱۲۶۶ هجری قمری، خود را جانشین وی معرفی نمود و پیروانش به خاطر لقب میرزا حسینعلی نوری (بهاءالله) بهائی خوانده شدند. بهاءالله ادعای شریعت جدیدی نمود و کتاب اقدس را نگاشت، ولی مهم‌ترین کتابش ایقان است.

میرزا حسینعلی در سال ۱۸۵۲ میلادی دستگیر و به زندان منتقل شد. او ادعا کرد زمانی که در یک سیاهچال در تهران زندانی بوده، اولین مطالب وحی را در مورد جانشینی باب دریافت کرده است. او سپس به بغداد و از آنجا به ترکیه

۱. بابی‌گری و بهایی‌گری، محمد محمدی اشتهاردی، فصل دوم.

و پس از آن به عکا در فلسطین تبعید شد و در زمانی که در این سرزمین بسر می‌برد، نامه‌هایی به سران کشورهای مختلف دنیا نوشت و خود را فرستاده خداوند نامید.

بهاءالله در سال ۱۸۹۲ میلادی برابر با ۱۳۰۹ هجری قمری، در سن هفتاد و شش سالگی از دنیا رفت و در عکا دفن شد. بهائیان آرامگاه وی را به عنوان قبله انتخاب کرده و به سوی آن نماز می‌گزارند.^۱

ایدئولوژی و عقاید بهائیت

۱. انکار خاتمیت پیامبر اسلام:

بهائیت با انکار خاتمیت پیامبر اسلام، مدعی شده است که پیامبری جدید ظهور کرده و آیین جدیدی آورده که ربطی به اسلام ندارد. لذا نماز، روزه، و سایر عبادات، احکام و اخلاق و روابط اجتماعی و قوانین آن با اسلام فرق دارد. بهائیت دو کتاب مهم دارد که بهاءالله نوشته است به نام‌های اقدس و ایقان. الف) کتاب اقدس: بهاءالله در کتاب اقدس خود که به زبان عربی است، کوشید که جمله‌های آن را مانند جمله‌های قرآن ایراد کند. او این کتاب خود را وحی مُنزل شمرده است و دارای ۴۷۰ آیه است و شامل همه احکام و حدود آیین

۱. بابی‌گری و بهایی‌گری، محمد محمدی اشتهاردی، فصل دوم.

بهاء می‌باشد که در عکاً نوشته است.^۱

ب) کتاب ایقان: ظاهر آن به فارسی است، ولی بیشتر جمله‌ها و واژه‌های آن به عربی می‌باشد. بهاء‌الله این کتاب را نیز وحی مُنزل شمرده و در آن به قول خودش خواسته حَقانیت قیام باب و نبوت و اصول دین خود را مورد استدلال و توجیه قرار دهد. از قرار معلوم آن را پیش از اقدس نوشته است.

بِهائیت می‌خواهد با استناد به کتب مقدسه آسمانی، همانند قرآن مجید و انجیل و تورات و نیز کتب مقدسه زردشتیان همچین بشارات و وعده‌های این کتب، آیین خود را اثبات کند.

به اعتقاد بهائی‌ها دیانت بهائی یک دیانت جهانی است و هدفش اتحاد جمیع نژادها و ملیت‌ها در یک آرمان بین‌المللی و دیانت واحد می‌باشد. تجدید و تکامل ادیان از اصول این آیین است، زیرا هر زمان مقتضیات و نیازمندی‌های جهانیان ظاهر می‌گردد. «بهائیان پیروان حضرت بهاء‌الله هستند و معتقدند که ایشان جدیدترین فرستاده الهی در سلسله پیامبران پیشین، چون حضرت ابراهیم، موسی، بودا، زرتشت و مسیح و بالآخره حضرت

۱. بابی‌گری و بهایی‌گری، محمد محمدی اشتهاردی، فصل چهارم.

محمد ﷺ است و رسالتش برای ایجاد تمدنی جدید و جهانی است که بشر در این زمان بدان نیازمند است.^۱

بهائیت برای اثبات حقیقت ظهور خود از قرآن به سه آیه آن استناد می‌کند که عبارتند از:

اول: سوره حج، آیه ۴۷. دوم: سوره سجده، آیه ۵. سوم: سوره سبأ، آیه ۲۹ و ۳۰.

در هر سه آیه به نوعی به عدد هزار اشاره و تصریح شده است و بهائیت از این عدد چنین استفاده می‌کند که وعده ظهور باب در قرآن تقریر شده است؛ چون میرزا علی محمد باب در سال ۱۲۶۰ هجری قمری ادعای باییت کرد و چون از تاریخ شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ هجری قمری هزار سال گذشته است، بنابراین باب فرستاده خداست و به این ترتیب دوره اسلام پایان یافته است.

۱. کتاب مفاوضات، ص ۱۲۴ چاپ لندن به نقل از بابی‌گری و بهائی‌گری، محمد محمدی اشتهاردی.

نقد نظریه بهائیت در عدد ۱۰۰۰

با توجه به آیات سه گانه هر فرد منصف و اهل مطالعه‌ای درک می‌کند که هیچ ارتباطی میان آیات و ظهور باب وجود ندارد؛ با وجود مفسران بزرگ قرآن که قبل از ظهور باب به این آیات برخورد نموده‌اند و هیچ‌کدام اشاره‌ای به ظهور دین جدیدی با استفاده از این آیات نکرده‌اند، چگونه می‌شود از یک فرد استفاده مورد نظر را پذیرفت؟

آیه اول - سوره حج، آیه ۴۷:

﴿وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ﴾؛

یعنی: ای رسول ما کافران از روی تمسخر تعجیل در عذاب می‌کنند و هرگز وعده خدا به عذاب آنان خلاف نخواهد شد و همانا یک روز نزد خدا و از نظر صبر و حلم او چون هزار سال به حساب شماست.

با مطالعه آیه فوق از کجای آن می‌توان استفاده کرد که عدد هزار در آیه که نشان از کثرت است و تصریح به ۱ + ۹۹۹ ندارد، دلالت بر آمدن پیامبری جدید می‌کند و آیا منظور از آن روایت که می‌گوید برای خدا مشکل نیست که در مدت هزار سال این امت را جمع کند، ظهور دین جدید است؟

و از کجا معلوم که دین جدید باب باشد؟ و منجی و پیامبر آن جناب باب باشد؟ و اگر باب در هزار سال آمده، پس جناب بهاء الله چرا شریعت آورده است؟ و اصلاً فاصله هزار سال میان پیامبران پیشین نبوده است، چرا که فاصله میان حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله کمتر از ۶۰۰ سال است.

آیه دوم - سوره سجده، آیه ۵:

﴿يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ﴾؛

یعنی: خداوند امر عالم را به نظام احسن و اکمل از آسمان تا زمین تدبیر می کند، سپس در روزی که مقدارش به حساب شما بندگان هزار سال است، باز حقایق و ارواح را به سوی خود بالا می برد.

بہائیت می گوید: منظور از امر در آیه فوق، دین و مذهب است و تدبیر به معنای فرستادن دین و عروج به معنای نسخ دین است و روی این حساب هر مذهبی بیش از هزار سال نمی تواند عمر کند.

اشکالات وارده بر توجیه بهائیت:

۱. در کجای قرآن کلمه امر به معنای دین و مذهب گرفته شده؟ در حالی که امر به معنای فرمان آفرینش است، چنانچه در سوره یس، آیه ۸۲ می خوانیم: ﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ

يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ».

۲. کلمه تدبیر در قرآن به معنای سامان بخشیدن به وضع جهان هستی به کار می‌رود، نه به معنای نازل گردانیدن مذهب، بلکه در مورد دین و مذهب از کلمه تشریح یا تنزیل یا انزال استفاده شده است. مانند سوره شوری، آیه ۱۳: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا».

۳. آیات قبل و بعد آیه مورد بحث، مربوط به خلقت و آفرینش جهان است، نه مربوط به تشریح ادیان.

۴. کلمه عروج در آیه به معنای صعود و بالا رفتن است، نه به معنای نسخ ادیان و زائل شدن آنها.

۵. فاصله ادیان گذشته با یکدیگر در هیچ مورد یکهزار سال نبوده است که قبلاً اشاره شد.

۶. فاصله میان آغاز شریعت بهاءالله و شهادت امام حسن عسکری علیه السلام بیش از هزار سال است، مگر گفته شود بهاءالله شریعت جدیدی ندارد و مُبَلَّغ شریعت باب است. که این متناقض است با آنچه قبلاً در صفحات گذشته به آن اشاره گردید. چرا که به اعتقاد بهائیت جناب باب مُبَشَّر جناب بهاءالله است.

۷. فاصله میان آغاز ادعای میرزا علی محمد باب که در سال ۱۲۶۰ هجری قمری است، با شروع دعوت پیامبر اسلام که سیزده سال پیش از هجرت بوده هزار سال نیست،

بلکه هزار و دویست و هفتاد و سه سال است.

آیه سوم - سوره سبأ، آیه ۲۹ و ۳۰:

﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾؛ ﴿قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ﴾؛

یعنی: کافران می گویند: پس این وعده قیامت که شما پیامبران می دهید، اگر راست می گوئید کی خواهد بود؟
ای پیامبر بگو: وعده گاه شما روزی است که البته بیاید
ولحظه ای تقدیم و تأخیر بر شما نخواهد یافت.

ملاحظه می کنید:

۱. آیه مربوط به کافران و پاسخ به آنان است.

۲. منظور از یوم روز قیامت است که آنها سؤال کرده بودند و خداوند جواب می دهد.

۳. چه قدر باید توجیه و تاویل کنیم که یوم در آیه برابری می کند با هزار سال، چون یوم در قیامت برابری می کند با هزار سال در دنیا و تمام این حرف ها مربوط به قیامت و جهان پس از این دنیا می باشد.

۴. چنانچه قرآن را قبول دارید و می دانید که قرآن «يُقَسَّرُ بَعْضُهُ بَعْضًا» یعنی: آیه ای از قرآن آیه دیگر را تفسیر می کند، در هیچ جای قرآن آیه ای نیامده که آیه فوق را به عنوان آغاز شریعت جدیدی تفسیر کرده باشد.

خلاصه این که: از طریق آیات فوق ادعای بهائیان در

تثبیت شریعت جدید ثابت نمی‌شود.

در این جا لازم است سؤال کنیم: اگر بهائیت قرآن را قبول دارد (که چنین ادعایی دارد) آیه ۴۰ سوره احزاب را چگونه تفسیر و تأویل می‌کند؟

آیه کریمه قرآن راجع به خاتمیت پیامبر اسلام

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ
وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾^۱

یعنی: محمد پدر هیچ‌یک از مردان شما نبود، ولی رسول خدا و خاتم و آخرین پیامبران است و خداوند به هر چیز آگاه است.

واژه خاتم به چه معناست؟ خاتم بر وزن خاتم از جهت لغت به معنای چیزی است که به وسیله آن پایان داده می‌شود و نیز به معنای چیزی آمده است که با آن اوراق را مهر می‌کنند و این‌که به انگشتر هم خاتم می‌گویند، به خاطر آن است که نقش مهرها را معمولاً روی انگشترهایشان می‌کنند و به وسیله انگشتر خود نامه‌ها را مهر می‌کردند. ماده ختم در قرآن در موارد متعددی به کار رفته و به معنای پایان دادن است، مانند ﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ﴾، (یس، آیه

۶۵) و ﴿خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ﴾، (بقره، آیه ۷).

این آیه برای اثبات خاتمیت پیامبر اسلام کفایت می‌کند، ولی دلیل خاتمیت منحصر به آن نمی‌باشد، چه آیات دیگری هم وجود دارد که دلالت بر آن می‌کند، مثل: آیه ۱۹ سوره انعام - آیه اول فرقان - آیه ۲۸ توبه - آیه ۱۵۸ اعراف. و همچنین روایاتی در این زمینه وجود دارد که به دو نمونه آن اشاره می‌کنیم:

۱. پیامبر اسلام فرمودند: «حَلَالِي حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَحَرَامِي حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛

یعنی: قوانین حلالی که من آوردم حلال است تا روز قیامت و آنچه که حرام دانستم تا روز قیامت حرام است.^۱
 ۲. حدیث معروف منزلت که در کتب مختلف شیعه و اهل سنت آمده که پیامبر به حضرت علی علیه السلام فرمودند: «يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَىٰ إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي»؛
 یعنی: یا علی جایگاه تو نسبت به من، مانند جایگاه هارون نسبت به موسی است، مگر این که پیامبری بعد از من نخواهد آمد.^۲

خلاصه این که: قرآن نه تنها بشارت به پیامبری بعد از پیامبر اسلام نداده، بلکه تصریح دارد که پیامبر اسلام آخرین پیامبر است.

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۶۰.

۲. همان، ج ۶۴، ص ۱۴۸.

حال از فرقه بهائیت سؤال می‌کنیم: امر بهائی چه چیز جدیدی آورده که اسلام آن را ندارد؟

اگر آنچه را که این فرقه می‌گوید بررسی کنیم، می‌بینیم آن را قرآن و اسلام و ائمه علیهم‌السلام کامل‌تر و جامع‌تر بیان نموده‌اند و نیاز به کلمات و جملات بهاء‌الله نیست و لزومی ندارد که میان جامعه اسلامی تفرقه ایجاد کنیم.

آنچه امروزه در سایت‌ها و کتب بهائیت به عنوان اصول بهائیت از آن یاد می‌شود، عبارت است از:

الف) «دیانت بهائی یک دیانت جهانی است و هدفش اتحاد جمیع نژادها و ملیت‌هاست».

و اما قرآن در این زمینه چه فرموده است:

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون﴾.

یعنی: این همه امت واحدی بودند و پیرو یک هدف،

و من پروردگار شما هستم، پس مرا پرستش کنید.^۱

و پیامبر اسلام فرمودند: «بُعِثْتُ إِلَى الْأَحْمَرِ وَالْأَسْوَدِ؛

یعنی: من برانگیخته شدم برای تمامی (نژادها) از سفید

و سیاه».^۲

پس پیامبر هم هدفش اتحاد جمیع نژادها و ملیت‌هاست.

۱. سوره انبیاء، آیه ۹۲.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۹۲.

ب) تکامل ادیان:

بهائیت می‌گوید: امر بهائی برای تکامل ادیان آمده است. ما می‌گوییم او چه برنامه جدیدی آورده که در اسلام نیست؟ کدام آموزه‌اش از آموزه‌های اسلام مترقی‌تر است؟

ج) هر زمان مقتضیات و نیازمندی‌های جهانیان ظاهر می‌گردد. بهائیت می‌گوید: به خاطر اقتضا و نیازمندی زمانه، بهاء‌الله ظهور کرده تا پاسخ نیازمندی‌ها را بدهد.

ما می‌گوییم: ما نیز معتقدیم که هر زمان نیازمندی‌های خاص خود را دارد، ولی یک سری برنامه‌ها و آموزه‌های دینی در تمام عصرها و زمان‌ها نیازی به تغییر ندارد، مثل نماز، روزه، حج و... چرا که انسان‌ها در تمام زمان‌ها نیازمند به پرستش خدا و بندگی او هستند. همچنین احکام شرعی مربوط به ظلم و تعدی و تجاوز و قتل قابل تغییر نیست، چون همه انسان‌ها در تمامی اعصار درک می‌کنند که ظلم و تعدی و فساد زشت است و باید با آن برخورد شود.

اما این‌که به خاطر پیشرفت و تکنولوژی به بعضی از احکام جدیدی نیاز پیدا خواهد شد، این حرف منطقی و درستی است و اسلام راه اجتهاد را باز گذاشته است، یعنی با توجه به قوانین کلی اسلام در هر مکان و هر زمانی احکام مربوطه توسط مجتهدین که متخصص این فن هستند وضع

خواهد شد، چنان‌که این مسئله در سایر علوم و دانش‌ها نیز به همین منوال است. علاوه بر این جناب بهاءالله که در حدود ۲۰۰ سال پیش ظهور کرده، برای همان زمان هم قوانین آورده، چه می‌دانسته در عصر حاضر چه نیازهایی وجود دارد، تا فکر امروز را هم کرده باشد؟ ولی اسلام برای هر زمانی امامی بر حق از جانب خدا دارد که اشراف بر عالم دارد و راهبر جامعه است که امروزه راهبر جامعه از سوی پروردگار حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) می‌باشد.

در پایان باید گفت: چون آموزه‌های بهاءالله تراوش مغز یک بشر است، از این رو به عنوان یک آیین الهی قابل بررسی نیست. چرا که آموزه‌های دینی باید از جانب خدا باشد و آورنده آن پیامبر مبعوث از ناحیه او بوده باشد و پیامبر هم باید به نص صریح قرآن دارای ویژگی‌های خاص باشد، مثل اعجاز، عصمت، علم که هیچ یک از این موارد در بهاءالله وجود ندارد. خصوصاً در مورد زبان که کتابش به زبان عربی است و حال آن‌که او فارسی زبان است.^۱

اگر سؤال کنید که انگیزه این حرکت در آن سال‌ها چه بود؟ خواهیم گفت: انکار مهدویت و تفرقه در دین و مذهب و منحرف نمودن نسل جوان از خاندان عصمت و طهارت بود.

۱. خداوند در قرآن می‌فرماید: ما هر پیامبری را به زبان قومش مبعوث می‌کنیم. ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ﴾. (سوره ابراهیم، آیه ۴).

چند سؤال از بهائی‌ها

در پایان جهت تنویر افکار چند سؤال از بهائی‌ها داریم.

سؤال ۱. آیا دیانت بابی و آیین بهائی واحد هستند یا خیر؟ امروزه بهائیان می‌گویند: «هر چند به ظاهر جدا از یکدیگرند، اما چنان پیوستگی و ناگسستگی دارند، که حکم واحد یافته‌اند و جدایی میانشان نیست. حضرت باب مُبَشِّر به ظهور حضرت بهاء‌الله بود و در کتاب بیان و آثار مبارکه دیگر که از قلمشان نازل شده، وعده قرب ظهور مَنْ يَظْهَرُهُ اللهُ (بهاء‌الله) را به عالم داده و همچنین آن حضرت در زندان‌های ماکو و چهریق دائماً به عشق محبوب ظاهر و مستور خود حضرت بهاء‌الله مسرور و ذاکر بودند و کتاب بیان را که کتاب آسمانی احکام و تعالیم آن حضرت است، به عنوان هدیه تقدیم به حضرت بهاء‌الله نموده است، اگر قبول کند از فضل اوست و اگر رد نماید از عدل او. این است که برخی از احکام کتاب بیان در کتاب احکام بهائی (کتاب اقدس) مورد تأیید و تنفیذ واقع شده»^۱.

سؤال ۲. آیا جناب باب به اختیار خود کتاب خود را به بهاء‌الله تقدیم می‌کند، یا به وحی الهی؟ و آیا مگر می‌تواند سر خود این کار را انجام دهد؟ و اصلاً مگر کتاب بیان برای

۱. طرحی نو (شناختی از آیین بهائی)، روح الله مدیر مسیحایی.

تمام عالم نیست، پس چرا فقط به بهاء‌الله تقدیم شده؟ اگر بهاء‌الله جانشین باب بوده، پس جناب میرزا یحیی نوری که ملقب به صبح ازل است، چرا با برادر خود بهاء‌الله مخالف بوده و خود را جانشین می‌دانسته؟

سؤال ۳. آیا احکام جناب باب برای مدت شش سال کارایی داشته که نسخ شده و کتاب اقدس جایگزین شده؟ (چون تنها بعضی از احکام بیان مورد تأیید و تنفیذ بهاء‌الله واقع شده است).

سؤال ۴. معنای این که اگر قبول کند از فضل اوست و اگر رد نماید از عدل او، یعنی چه؟ مگر بهاء‌الله خداست؟ چرا که این اوصاف از آن خداست.

سؤال ۵. اگر جناب باب و بهاء‌الله هر دو پیامبر هستند، چرا در قرآن که ادعا می‌کنید آن را قبول دارید، اشاره‌ای به آنها نشده است و با این که می‌دانید خداوند بسیاری از پیامبران را در قرآن معرفی می‌کند، معجزه‌ای هم برای او نقل می‌نماید، با این وجود چرا این دو پیامبر معجزه ندارند؟

سؤال ۶. آموزه‌های جناب باب و جناب بهاء‌الله چه امتیاز خاصی نسبت به اسلام دارد؟ مثلاً چه چیز جدیدی به جهان بشریت عرضه کرده که در اسلام نیست؟ اگر در نماز و روزه سخنی گفته که این دو عبادت در اسلام کامل‌تر

و جامع‌تر بیان شده، آیا وضویی که در قرآن آمده کامل‌تر است یا وضوی بهائی؟

آیا نماز صغیر یا وسطی یا کبیر بهائی (آن هم با کلمات صعب التلفظ) کامل و جامع است، یا نمازی که اسلام بیان کرده؟

و نیز چرا در نماز بهائی باید به سمت قبر بهاءالله نماز خواند و آن‌جا را قبله قرار داد؟ خود بهاءالله به سمت کدام قبله نماز می‌خوانده؟ و جناب باب به کدام سمت نماز می‌خوانده؟

سؤال ۷. مگر ادعای باب و بهاء این نیست که قرآن کتاب آسمانی است و احکامش الهی است، پس چرا به حکم قرآنی حجاب توهین می‌کند؟ و رهایی از حجاب را رهایی از اسارت زنان می‌داند؟ یعنی در یک دوره زمانی هزار ساله به زعم شما خداوند می‌خواسته زنان اسیر باشند؟

سؤال ۸. آیا کشف حجاب^۱ به دستور باب و بهاء مایه تساوی زنان و مردان خواهد شد؟ مگر حجاب مانع از فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی زنان است. امروزه در بسیاری از مراکز آمریکایی و اروپایی دنیا زنان

۱. قرة العین اولین زن بایی بود که برابر چشمان مردان با آرایش فوق العاده‌ای ظاهر شد و کشف حجاب را رسماً اعلام نمود - (طرحی نو).

مسلمان با حجاب کامل مشغول فعالیت‌های مذکور هستند و هیچ‌گاه تلقی نابرابری و عدم مساوات با مردان را ندارند.

سؤال ۹. چرا بهاء ربا را که یک حکم قرآنی است و حرام شمرده شده است، حلال کرده است؟^۱ بهره‌کشی از مردم مستضعف که بنابر عقل هر انسان با فطرتی، غلط و ناصحیح است، چرا در مرام بهائی صحیح و درست دانسته شده است؟ آیا این معنای وحدت در جامعه است؟ آیا این بهره‌کشی موجب اختلاف طبقاتی نمی‌شود؟

سؤال ۱۰. احترام به سایر ادیان و ملل جزو دستورات اسلام است و سال‌ها پیامبر با یهودیان و مسیحیان مدینه به گونه‌ی مسالمت‌آمیز زندگی کرد، با آنها معامله نمود و معاشرت خوبی با آنها داشت، آیا امر بهائی در این زمینه حرف تازه‌ای آورده است که به آن افتخار می‌کند؟ مگر نه این است که اینها همه تعالیم مترقی اسلام است؟

۱. در آثار بهائی حرمت ربا به حلیت تبدیل شده است - (طرحی نو).

پیش‌واسخ

۱. بهاء‌الله کیست؟
۲. دلایل اثبات خاتمیت پیامبری اسلام ﷺ چیست؟
۳. پیامبر باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد؟

درس دوازدهم

رجعت

یا اتفاقات بعد از حکومت ولی عصر

(عجل الله تعالی فرجه الشریف)

آنچه در این درس می خوانیم:

۱. اتفاقات بعد از حکومت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی

فرجه الشریف)

۲. دلایل قرآنی اثبات رجعت

۳. دلایل روایی اثبات رجعت

درس دوازدهم:

رجعت (اتفاقات بعد از حکومت ولی عصر علیه السلام)

یکی از سؤالاتی که همواره به ذهن می‌رسد این است که بعد از حکومت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ و آیا پس از این حکومت قیامت رخ خواهد داد یا خیر؟

در پاسخ باید گفت: در فرهنگ و تعالیم شیعه یک نظریه وجود دارد به نام رجعت، یعنی بازگشت بعضی از مؤمنان خالص به دنیا برای یک زندگی مجدد که آنها در زمان قیام و حکومت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زنده می‌شوند و برخی دیگر هم بعداً زنده خواهند شد. البته در زمان حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بعضی از سران کفار و جنایتکاران و منافقان نیز زنده خواهند شد تا در حضور حضرت به جنایات و خیانات خود اعتراف کنند و شک و شبهه را از ذهن مؤمنان پاک گردانند، یعنی لازم است کسانی که به حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام

و فرزندانشان ظلم کردند و قیافه حق به جانبی گرفتند، زنده شوند و اعتراف کنند که به خاطر دنیا و حسادت‌ها و متابعت از شیطان و هوای نفس خیانت کردند و مسیر سعادت بشریت را منحرف نمودند.

در فرهنگ شیعه اعتقاد بر این است که حضرت سیدالشهدا علیه السلام رجعت یا حیات مجدد خواهد داشت و حکومتی پس از حکومت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به طول سالیان دراز اداره خواهد نمود که البته دلایلی برای اعتقاد به رجعت هم ذکر می‌کنند که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

دلایل قرآنی اثبات رجعت:

می‌دانیم که در قرآن به زنده شدن مردگان در چند آیه اشاره نموده است، از جمله:

۱. سوره بقره، آیه ۲۴۳: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ﴾؛

یعنی: آیا نگاه نمی‌کنید به سرنوشت کسانی که از شهرهایشان خارج گردیدند، در حالی که هزاران نفر بودند. پس خداوند به آنان گفت: بمیرید، سپس همه را زنده گردانید.

۲. سوره بقره، آیه ۲۵۹: ﴿أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ

ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتُ مِائَةَ
 عَامٍ فَأَنْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَى حِمَارِكَ
 وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا
 لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛

یعنی: (مگر نشنیدی) مثل مردی که از کنار یک روستای
 ویران شده‌ای عبور کرد، با وجود بناهایی که داشت از سکنه
 خالی بود، از خود پرسید: خدا چگونه مردم این دهکده را
 زنده می‌کند؟ آنگاه خدا او را صد سال میرانید و وقتی
 زنده‌اش کرد و پرسید چه مدتی درنگ نمودی؟ گفت: یک
 روز یا مقداری از روز. خداوند فرمود: (خیر) بلکه صد سال
 در این جا درنگ کردی، به خوردنی و آشامیدنی خود نگاه
 کن و ملاحظه کن که مزه‌اش تغییر نکرده است و به الاغت
 نگاه کن که چگونه از هم متلاشی شده (و این کار) برای این
 است که تو را نشانه‌ای برای مردم قرار دهیم و حال به این
 استخوان‌ها نگاه کن که چگونه دوباره آنها را زنده می‌کنیم
 و به آنها گوشت می‌پوشانیم. وقتی این حقایق برای او آشکار
 شد گفت: می‌دانم خدا بر هر کاری تواناست.

مفسرین گفته‌اند: شخص مزبور پیامبری بوده که از خانه
 خود بیرون آمده تا به محلی دور از شهر خود سفر کند، به
 دلیل این که الاغی برای سوار شدن همراه داشته و غذا و آبی

با خود برداشته تا با آن رفع گرسنگی و عطش کند، همین که به راه افتاده تا به مقصد خود برود، در بین راه به روستایی رسیده که قرآن کریم آن را قریه خراب توصیف فرموده، او مقصدش آن جا نبوده، بلکه گذرش به آن محل افتاده و قریه نظرش را جلب کرده، لذا ایستاد و در سرنوشت آن به تفکر پرداخت و از آنچه دید عبرت گرفت، که چگونه اهلش نابود شده‌اند و استخوان‌های پوسیده آنها در پیش رویش ریخته است و نقل شده که نام این پیامبر عزیز بوده است.

از این دو آیه استفاده می‌شود که زنده کردن مردگان در این دنیا امری است ممکن، برای خداوند متعال که ائفاق افتاده است.

قرآن و رجعت

حال ببینیم آیا در قرآن و روایات شواهد و نشانه‌هایی داریم که دلالت بر رجعت کند؟

۱. در قرآن در سوره نمل، آیه ۸۳ می‌خوانیم:

﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾؛

یعنی: ای رسول به یاد آر روزی را که از هر امتی گروهی را محشور می‌کنیم که آیات ما را تکذیب می‌کردند و آنان



مورد سؤال و بازخواست قرار خواهند گرفت.

در این آیه تصریح شده که گروهی محشور خواهند شد و معلوم است که این حشر روز قیامت نیست، چرا که در روز قیامت همه محشور می شوند نه یک گروه خاص، پس شاید اشاره به رجعت دسته جمعی در همین دنیا بکند.

۲. در سوره بقره، آیه ۲۸ می خوانیم:

﴿ كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴾؛

یعنی: چگونه به خدا کافر می شوید و حال آن که شما مردگانی بودید و خداوند شما را زنده کرد، سپس شما را می میراند، مجدداً زنده تان می کند، آن گاه به سوی او بازخواهید گشت.

در آیه اشاره به دو حیات شده است و پس از آن بازگشت به او خواهد بود، حیات و زندگی اولی همان است که به دنیا می آییم و حیات دوم شاید همان رجعت باشد سپس مرگ است و بعد رجوع به او.

۳. در سوره غافر (مؤمن)، آیه ۱۱ می خوانیم:

﴿ رَبَّنَا أَمَتَّنَا آثْنَتَيْنِ وَأَخْيَبْتَنَا أَكْثَنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِّنْ سَبِيلٍ ﴾؛

یعنی: پروردگارا دوبار ما را میراندی و دوبار زنده کردی،

پس ما به گناه خود اعتراف می‌کنیم، آیا راه نجاتی داریم.
در این آیه اشاره به دوبار مرگ شده است، یعنی قبل از
هر مرگ باید حیاتی بوده باشد، پس حیات دوم همان
رجعت است.

روایات و رجعت

احادیث فراوانی از پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام به ما رسیده که
دلالت آن روایات بر مسئله رجعت امری مسلم و محقق
است. برخی از دانشمندان بزرگ شیعه درباره این مسئله
کتاب خاصی تألیف نموده‌اند، از آن جمله:

۱. کتاب الرجعة: شیخ صدوق

۲. کتاب الرجعة: عیاشی صاحب تفسیر

۳. اثبات الرجعة: علامه حلی

۴. الإيقاظ: شیخ حرّ عاملی

از میان روایات و احادیث رجعت برای نمونه و تبرک به

چند حدیث اشاره می‌کنیم:

۱. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

«إِنَّ لِعَلِيِّ عليه السلام فِي الْأَرْضِ كَرَّةً مَعَ الْحُسَيْنِ ابْنِهِ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِمَا؛^۱

یعنی: برای حضرت علی علیه‌السلام و فرزندش حسین علیه‌السلام

بازگشتی به این زمین خواهد بود».

۲. مأمون خلیفه عباسی از حضرت رضا علیه السلام پرسید:

«يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا تَقُولُ فِي الرَّجْعَةِ» یعنی: راجع به رجعت

چه می فرماید؟

امام علیه السلام فرمودند: «إِنَّهَا لِحَقٌّ قَدْ كَانَتْ فِي الْأُمَّمِ السَّالِفَةِ

وَنَطَقَ بِهِ الْقُرْآنُ وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ

كُلُّ مَا كَانَ فِي الْأُمَّمِ السَّالِفَةِ حَذْوًا لِلنَّغْلِ بِالنَّغْلِ؛

یعنی: رجعت حق است و در میان امت های پیشین بوده

است و قرآن از آن سخن گفته است و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: در

این امت هر چه در امت های پیشین رخ داده است،

بی کم و کاست همان گونه رخ خواهد داد».^۱

۳. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«أَيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ: يَوْمُ يَقُومُ الْقَائِمُ وَيَوْمُ الْكُرَّةِ (أَيُّ الرَّجْعَةِ)

وَيَوْمُ الْقِيَامَةِ؛

یعنی: روزهای خدا سه روز است:

۱. روز قیام قائم ۲. روز رجعت ۳. روز قیامت».^۲

خلاصه این که: از مجموع آیات و روایات اشاره شده

می توان استفاده کرد که مسئله رجعت از مسلمات و وقایع

حتمی می باشد و قابل تأمل و در خور دقت و فکر است.

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۰۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۳.

پیش‌وفاسخ

۱. یک آیه راجع به رجعت بنویسید.
۲. یک روایت راجع به رجعت بنویسید.
۳. رجعت را معنا کنید.